

شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زنان

Identification of the factors contributing to satisfying stable marriages in women

Amin Koraii

Reza Khojasteh Mehr

Mansour Sodani

Khaled Aslani

امین کراییی *

رضا خجسته مهر **

منصور سودانی ***

خالد اصلانی ****

Abstract

Marriage and healthy marital relationships have benefits for society, individuals and families. This study aimed to identification of the factors contributing to satisfying and stable marriages and preparing and developing a scale based on the factors of endurance of the satisfying marriages from the viewpoint of the married women. The design of the current study was the correlational method. The population of the study consisted of all mothers of high school students in Ahwaz who their marital life lasted at least 25 years and they were in a satisfying and stable marriage with their husbands and among them four samples were selected using simple random method: The first sample (25 women) were used to find the primary factors and develop the scale; The second sample (50 subjects) were used to increase the reliability and validity and primary applying; the original sample to carry out confirmatory factor analysis (160 subjects) and Finally, in order to perform an exploratory factor analysis (239 subjects) has been selected. The data were gathered applying semi-structured interviews, Relationship Assessment Scale (RAS) and researcher made scale Happy Marriage scale and the data were analyzed using Exploratory Factor Analysis and Confirmatory Factor Analysis. The findings of the study indicated that 64 items in 9 factors were influential in women's that these factors explained the overall 60 percent of successful marriages variances including: the appropriate communication styles and conflict resolution; protection, attention, respect and appreciating one another; personality characteristics and responsibility; intimacy and the quality of sex; quality of marital life and spending time and entertainment together; couple congruence and flexibility; commitment and loyalty; shared values, cultural and spiritual experiences; and financial and business issues. Understanding and identification of the factors influencing the satisfying and stable marriages in successful couples can be considered as a model and a direction for couples, especially young couples and will eventually assist to the society health.

Keywords: *Stable Marriage, Satisfying Marriage, Married Women*

چکیده

ازدواج و روابط زناشویی سالم، برای جامعه، افراد و خانواده‌ها فوایدی دارد. پژوهش با هدف شناسایی عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند و آماده کردن و ساخت سنج‌های بر پایه عوامل ماندگاری ازدواج‌های رضایتمند از دیدگاه زنان متأهل به انجام رسیده است. طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش دربرگیرنده همه مادران دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اهواز بود که دست‌کم ۲۵ سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته و در یک ازدواج پایدار رضایتمند با شوهران خود به سر می‌بردند. از این میان با به‌کارگیری روش تصادفی ساده چهار نمونه برگزیده شد: نمونه نخست برای یافتن عوامل نخست و فراهم کردن سنج (۲۵ نفر)، نمونه دوم برای افزایش پایایی و روایی و به کار بستن مقدماتی (۵۰ نفر)، نمونه اصلی به‌منظور انجام تحلیل عامل اکتشافی (۲۳۹ نفر) و سرانجام برای تحلیل عامل تأییدی (۱۶۰ نفر) گزینش شدند. داده‌های با بهره‌گیری از مصاحبه نیمه ساختاریافته، سنج ارزیابی رابطه (RAS) و سنج پژوهشگر ساخته ازدواج خوشبخت گردآوری و با به‌کارگیری تحلیل عامل اکتشافی و تحلیل عامل تأییدی تحلیل شد. برآمدها نشان داد که ۶۴ ماده در ۹ عامل دربرگیرنده شیوه ارتباط و حل تعارض مناسب؛ حمایت، توجه، احترام و قدردانی به یکدیگر؛ ویژگی‌های شخصیتی و مسئولیت‌پذیری؛ صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی؛ کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات؛ همخوانی زوجین و انعطاف‌پذیر بودن؛ تعهد و وفاداری؛ داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک؛ و مسائل مالی و شغلی در ازدواج‌های پایدار رضایتمند زنان مؤثر بوده‌اند که روی هم رفته ۶۰ درصد از واریانس موفقیت در ازدواج را تبیین کردند. درک و شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج‌های پایدار و رضایتمند در زوج‌های موفق، می‌تواند به‌عنوان الگو و مسیری برای زوج‌ها به‌ویژه زوج‌های جوان قلمداد شده و سرانجام به‌سلامت جامعه کمک کند.

واژگان کلیدی: *ازدواج پایدار، ازدواج رضایتمند، زنان متأهل*

* دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز

** استاد گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

*** دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

**** دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

مقدمه

ازدواج یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های روابط میان فردی است که بیشتر افراد بزرگ‌سال آن را تجربه می‌کنند (کلی، فینچام و بیچ، ۲۰۰۳). بیشتر افراد در برهه‌ای از زمان قصد ازدواج را داشته‌اند و ازدواج مهم‌ترین تجربه آدمی در گذر از مرحله نوجوانی به بزرگ‌سالی است (ویلوغی، ۲۰۱۰). ولی با افسوس، آمارها نمایانگر افزایش طلاق زوجین است. در آمریکا، نزدیک به ۵۰٪ از ازدواج‌های نخست به طلاق می‌انجامند (فاست و مک‌کین، ۱۹۹۹) و نزدیک به ۳۳٪ این ازدواج‌ها در همان ده سال نخست ازدواج به جدایی یا طلاق کشیده می‌شوند (براملت و موشر، ۲۰۰۱). در ایران تا پایان بهمن‌ماه ۱۳۹۵ شمار ۶۶۰۸۰۳ فقره ازدواج و در همین مدت، ۱۶۵۹۳۹ فقره طلاق ثبت شده است (سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۳۹۵)؛ به عبارت دیگر، در ازای هر ۴ ازدواج، یک طلاق صورت گرفته است. این در حالی است که در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴، این نسبت به ترتیب به ۹/۴، ۸/۳، ۸/۴، ۸، ۷/۱، ۶/۵، ۶/۱، ۵/۵، ۵/۴، ۵ و ۴/۸ کاهش یافته است. همبستگی نیرومند میان گونه‌های ناراحتی‌های بدنی و روانی با طلاق و جدایی وجود دارد (پریگرسون، ماکیفسکی و روزنیک، ۱۹۹۹). باین وجود، ازدواج همچنان به عنوان نهاد اجتماعی پذیرفته شده در نزد افراد باقی مانده است و بیش از ۸۵٪ افراد در طول عمر خود ازدواج را تجربه می‌کنند (ناکس و شاجت، ۲۰۰۰). ازدواج و روابط زناشویی سالم، مزایایی را هم برای جامعه و هم افراد و خانواده‌ها ایجاد می‌کند (کیلاوی، دانش پور، علمی، دادرس و حمید، ۲۰۱۴).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد با رضامندی زناشویی بالا و روابط صمیمانه در سنجش با کسانی که زندگی زناشویی ناسازگارانه‌ای دارند، بیشتر عمر می‌کنند (کپلر، ۲۰۱۵)، از سلامت بدنی بالاتری برخوردارند (اسلاچر و شویی، ۲۰۱۷) و برای فرزندانشان پدر و مادر بهتری هستند (گریچ و فینچام، ۱۹۹۰). گاتمن (۱۹۹۹) که ۲۰ سال زندگی زوج‌ها را پژوهش کرده، عامل اصلی موفقیت یا شکست ازدواج را توانایی، یا عدم توانایی حل تعارضات می‌داند.

بر پایه ماهیت ازدواج‌ها، شیوتا و لوینسون (۲۰۰۷)، باور دارند که روابط زوجین به شیوه‌های گوناگونی در طی دهه‌ها تغییر خواهد کرد. در مرحله آغاز ازدواج^۱ که می‌بایست یک اتحاد ارتباطی

^۱. early marriage

برجسته میان زوجین پدید آید (اپلتون و بوهم، ۲۰۰۱)، با این وجود، در همین مرحله، بسیاری از ازدواج‌ها به جدایی و طلاق کشیده می‌شوند (شیوتا و لوینسون، ۲۰۰۷) زوجین تازه زندگی مشترک را آغاز کرده و رفتارهای یکدیگر را به صورت ایدئال می‌بینند (مورای، هولمز، براویا، گریفین و دولدرمن، ۲۰۰۲). رابطه آن وقت با دشواری روبرو می‌شود که زوجین خود را بستانکار رابطه نشان دهند یا اینکه مسئولیت‌های خود را نادیده بگیرند. رضایت می‌تواند برآمده از وجود احترام، قدردانی، تعهد، عاطفه و اعتماد در رابطه مشترکشان باشد (اسچرمن، مارشال، هریس و لی، ۲۰۰۵). ازدواج‌هایی که از این مرحله درست گذر کنند، احتمالاً با ثبات باقی خواهند ماند (میلر، یورگاسون، ساندبرگ و وایت، ۲۰۰۳). در مرحله میانی ازدواج^۱، روابط زوجین تغییر می‌کند و از ایدئال‌نگری نخستین به سمت واقعیت و برآورده شدن نیازها حرکت خواهد کرد. در این مرحله شاید زوجین بر سر برخی وظایفشان رقابت کنند و تعارض‌هایی نیز ایجاد شود. در هم سنجی با مرحله اول، در این مرحله، الگوی ارتباطی زوجین یکپارچه‌تر و شیوه حل تعارض آن‌ها به سمت تعامل و همکاری خواهد رفت (شیوتا و لوینسون، ۲۰۰۷). هر چه رابطه زناشویی زوجین در این مرحله پخته‌تر شود، زوجین زمان بیشتری را برای باهم بودن اختصاص می‌دهند، یاد می‌گیرند که در برخی موقعیت‌ها نقش‌ها و مسئولیت‌های طرف مقابل را بر عهده بگیرند، برای بهبود سلامتی‌شان خود را با شرایط زندگی مشترک تطبیق می‌دهند و به تعیین یک آینده مشترک برای زندگی خود می‌پردازند (هنری و میلر، ۲۰۰۴). گستره‌های مشکل، بر محورهایی مانند پذیرش نقش‌های چندگانه، مراقبت از پدر و مادر سالخورده، بازنشستگی، مسائل جنسی، مسائل مالی و چالش با فرزندان متمرکز است (چرلین، اسکایینی و جیوانا، ۱۹۹۷). ازدواج طولانی مدت که اغلب با سطح بالای سازگاری همراه است در هم سنجی با مرحله میانی، با افزایش صمیمیت، ابراز عاطفی و همراهی زوجین با یکدیگر همراه است و شاید درخواست‌ها و توجه آن‌ها نسبت به جامعه نیز بیشتر شود. در این مرحله، شاید یک پیوستگی و وابستگی میان زوجین شکل گرفته باشد که برآمد سال‌ها تجارب، سختی‌ها و موفقیت‌های مشترک زوجین است (شیوتا و لوینسون، ۲۰۰۷). در این مرحله مشکلات مربوط به سن، بروز برخی بیماری‌ها و مشکلات هورمونی در هر دو جنس، می‌تواند بر گرایش یا کارکرد جنسی زوجین تأثیر منفی بگذارد (کاپلان، ۱۹۹۰). لوینسون، کارستنسن و گاتمن (۱۹۹۳) باور دارند که تعارض

¹. midlife marriage

در این مرحله کاهش می‌یابد و در هم سنجی با مرحله میانی، همسانی شخصیتی میان زوجین، در نهایت مایه کاهش علل ایجاد تعارض خواهد شد. اشمیت، کلیگل و شاپیرو (۲۰۰۷)، باور دارند که متأهل ماندن در میان‌سالگی و پیری همچنان یک هنجار است و تحمل کردن و رسیدن به این مرحله، مایه احساس امنیت، راحتی، اطمینان و امید برای آینده می‌شود.

پژوهش‌های فراوانی به بررسی پیش‌بین‌های رضایت زناشویی و کیفیت زندگی زناشویی پرداخته‌اند (کارنی و بردبری، ۱۹۹۵). این پژوهش‌ها به‌طور عمده و اصلی بر دو موضوع تمرکز نموده‌اند که عبارت‌اند از انتخاب همسر و موفقیت زندگی زناشویی. پژوهش‌های مربوط به انتخاب همسر در آغاز بر همسانی و نبود همسانی میان زوجین در شماری متغیرهای روان‌شناختی، بدنی و اجتماعی متمرکز بود و از این اندیشه حمایت می‌کردند که همسانی میان زوجین، برخلاف اصل مکمل بودن^۱ یک عامل مهم در دستیابی به حفظ و ابقای رضایت زناشویی است (ویا و پیرادل پرته، ۲۰۱۳). گاتمن (۱۹۹۴)، بیان کرد که عوامل تسهیل‌کننده رابطه زناشویی موفق و بادوام، مشهود نیستند، ولی بعدها عوامل ماندگاری و رضایت‌مندی ازدواج را به‌عنوان عواملی که به‌طور شگفت‌آوری ساده هستند، معرفی کرد. وی بیان کرد که اگر زوجین بتوانند از افکار و هیجانات منفی که افکار و هیجانات مثبت را بی‌اثر می‌کنند، جلوگیری کنند، زندگی آن‌ها رضایت‌بخش خواهد بود. در یک جمع‌بندی مهم‌ترین عواملی که برای ماندگاری و رضایت‌مندی ازدواج ذکر شده‌اند عبارت از: تعهد میان زوجین (مک کری، ۲۰۱۵)؛ روابط دوستانه میان زوجین (کانری، استفورد و سمیک، ۲۰۰۲)؛ شیوه مناسب حل تعارض (شریف، سلیمانی، مانی و کشاورزی، ۲۰۱۳)؛ ارتباط مؤثر (لورنر، کارنی و بردبری، ۲۰۱۶)؛ ویژگی‌های شخصیتی (خوش دشت، جلالی و کاکاوند، ۲۰۱۶)؛ کیفیت محبت میان زوجین (پوپنو، ۲۰۰۴) و دریافت حمایت عاطفی از سوی همسران (بلاچ، هاس و لونسون، ۲۰۱۴) و عوامل کلی دیگر مانند عوامل شغلی، اقتصادی، نگرش‌های مذهبی، ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی (شوون، راجرز و آماتو، ۲۰۰۶).

کاسلوف و رایسون (۱۹۹۶) نه عامل توانایی همخوانی (انعطاف‌پذیری در مراحل انتقالی زندگی قابل پیش‌بینی و غیرمنتظره، توانایی رویارویی با پیشامدهای تنش‌زا از راه منابع درونی و بیرونی و مهارت‌های

رویاریویی؛ تعهد به خانواده، وفاداری و ارزش گذاری به همسر و خانواده؛ ارتباطات باز، مستقیم و منظم؛ تشویق و ارائه یک سیستم حمایتی و تعلق فردی به خانواده برای رشد و پرورش شخصی؛ سپاسگزاری، بیان و توجه مثبت به طرف مقابل بدون داشتن چشم داشت؛ تجربه معنوی یا مذهبی مشترک؛ ارتباط اجتماعی درخور و اتصال به یک شبکه بزرگ تر از خانواده، دوستان و جامعه؛ وضوح نقش، ساختار روشن ولی انعطاف پذیر که تعریف انتظارات و مسئولیت های هر عضو را مشخص می کند؛ و اختصاص دادن زمان به زندگی مشترک، گذراندن وقت در کنار یکدیگر که برای هر دو طرف لذت بخش باشد، هم از دید کمی و هم کیفی را برای ازدواج های بادوام ذکر کرده اند. لاور و لاور (۱۹۸۶) هفت دلیل را به عنوان علل موفقیت یا خوشبختی در ازدواج نشان دادند که عبارت اند از بهترین دوست همدیگر بودن، علاقه به همسر به عنوان یک انسان، مقدس دانستن ازدواج، تعهد درازمدت به یکدیگر، توافق بر سر اهداف و انتظارات، بیشتر شدن علاقه به یکدیگر در طول زندگی و گرایش به موفق شدن در زندگی و رابطه زناشویی. آلفورد-کوپر (۱۹۹۸) معتقد است که عوامل موفقیت و ماندگاری ازدواج در سه دسته قرار می گیرند، عامل نخست دربرگیرنده اعتماد، داشتن رابطه عاشقانه و گرایش به سازش، عامل دوم دربرگیرنده احترام متقابل، توجه به نیازهای یکدیگر و سازگاری و عامل سوم دربرگیرنده توافق بر سر فرزندان و ارتباط سازنده. همچنین، ویژگی های دیگری که زوجین با اهمیت دانستند دربرگیرنده شوخ طبعی، داشتن نگرش مشابه نسبت به ازدواج، توافق بالا در مورد حرمت و تقدس ازدواج و تعهد و وفاداری است. نیمتر (۲۰۱۱) وجود نگرش های مثبت ناشی از احترام، تعهد و شوخ طبعی و همچنین اعمالی مانند ارتباط مثبت، حمایت و مصالحه را علل ماندگاری ازدواج و رضایت مندی آنها در طول زمان ذکر کرده است. داناوان (۲۰۰۴) نیز نشان داد که وجود رفتارهایی مانند شوخ طبعی، شناخت فرهنگ طرف مقابل، ارتباط، حمایت، آمادگی شخصی، کار بر روی اهداف مشترک و نگرش های مذهبی مشابه باعث ماندگاری ازدواج و رضایت مندی آنها در طول زمان شده است. فنل (۱۹۹۳) نیز نشان داد ده مؤلفه تأثیرگذار بر پایداری ازدواج های موفق عبارت اند از: تعهد به روابط زناشویی در طول زندگی، وفادار ماندن به همسر، ارزش های اخلاقی محکم، احترام به همسر، وفاداری و تعهد جنسی، والد خوب بودن، داشتن ارزش های مذهبی، حمایت و لذت دوطرفه، هماهنگی و همدمی باهمسر، توانایی عفو و گذشت و مورد گذشت واقع شدن.

آسوده، دانش پور، خلیلی، غلامعلی لواسانی، ابوعلی شبانی و دادرس (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند که زوج‌های موفق و خوشبخت چهار ویژگی مهم توانایی حل مشکلات خود، داشتن درک متقابل و مدیریت درآمدها و هزینه‌ها، گذراندن اوقات فراغت خود به همراه خانواده خود، دوست بودن باهمدیگر و احترام به یکدیگر را دارند. شکر کن، خجسته مهر، عطاری، حقیقی و شهنی‌بیلاق (۱۳۸۵) در پژوهش خود نشان دادند که ۸۰ درصد شکست و موفقیت در رابطه زناشویی را می‌توان از روی متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی و سبک‌های دل‌بستگی پیش‌بینی نمود.

با بررسی دقیق‌تر پدیده طلاق و افزایش نگران‌کننده آمار طلاق رسمی و غیررسمی، حال این پرسش مطرح است که آیا عوامل مشخصی وجود دارد که موجب ماندگاری برخی ازدواج‌ها می‌شود؟ آیا می‌توان گفت که آیا عوامل مشترکی در میان همه زوجین با ازدواج‌های بادوام و رضایتمند وجود دارد؟ شاید اگر پژوهشگران بتوانند عواملی را شناسایی کنند که موجب قرار گرفتن ازدواج در مسیر موفقیت شود، آن وقت جامعه با کاهش نرخ طلاق مواجه شود و دوام، ثبات و رضایتمندی بیشتری را در روابط زناشویی زوجین شاهد بود؛ بنابراین اگر این پژوهش بتواند، تنها یک ایده‌ی بااهمیت که بر عوامل افزایش دوام و رضایتمندی ازدواج متمرکز باشد را پرورش دهد، بسیار حائز اهمیت خواهد بود. به‌طور کلی، متخصصین حوزه ازدواج و خانواده معمولاً نگرش‌ها و رفتارهای خاصی را که می‌تواند در خدمت رضایتمندی و ماندگاری هم‌زمان رابطه زناشویی باشد را به‌عنوان عوامل مؤثر در نظر می‌گیرند. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که از دیدگاه زنان متأهل، عوامل مؤثر در ماندگاری ازدواج‌های رضایتمند کدام‌اند؟

روش

طرح پژوهش حاضر یک طرح همبستگی از نوع تحلیل ماتریس کوواریانس یا همبستگی است. در زمان‌هایی که پژوهشگر از همبستگی مجموعه‌ای از متغیرها بخواهد تغییرات متغیرها را در عامل‌های محدودتر خلاصه کند یا ویژگی‌های زیر بنایی یک مجموعه از داده‌ها را آشکار نماید از روش تحلیل عاملی استفاده می‌کند. برای این خواسته نیاز است که ماتریس کوواریانس متغیرهای اندازه‌گیری شده تحلیل شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۵). جامعه پژوهش همه مادران دانش‌آموزان متوسطه شهر

اهواز بودند که دست کم ۲۵ سال از زندگی مشترک آنها گذشته و در یک ازدواج پایدار رضایتمند به سر می‌بردند. نمونه‌های موردنظر نخست از راه نمونه‌گیری هدفمند گزینش شدند، بدین صورت که از میان مادران دانش آموزان دختر و پسر متوسطه شهر اهواز، کسانی که طول مدت ازدواج دست کم ۲۵ سال و زندگی زناشویی آنها نیز رضایتمند بود، شماری گزینش شدند. هر کدام از زنان که دارای شرایط شرکت در پژوهش بودند و در سنجه ارزیابی رابطه^۱ (RAS)، (هندریک، دایک و هندریک، ۱۹۹۸)، نمره‌ای بالاتر از +۱ انحراف استاندارد کسب کردند به‌عنوان نمونه گزینش شدند. پس از شناسایی و برگزیدن افراد دارای شرایط، نمونه‌های موردنیاز به‌صورت تصادفی ساده برگزیده می‌شدند. در پژوهش حاضر چهار نمونه مورد استفاده قرار گرفت که نمونه نخست برای یافتن عوامل نخستین و تدوین سنجه بود که بدین منظور ۲۵ نفر برگزیده شدند. پیش از نمونه‌گیری اصلی برای افزایش روایی و اعتبار، مراحل پیش‌مقدماتی و سپس مرحله پایلوت بر روی نمونه ۵۰ نفری از جامعه موردنظر اجرا شد. سپس برای گزینش نمونه اصلی به‌منظور انجام تحلیل عامل اکتشافی یک نمونه ۲۳۹ نفری و به‌منظور انجام تحلیل عامل تأییدی یک نمونه ۱۶۰ نفری دیگر برگزیده شد.

ابزارهای پژوهش

سنجه ارزیابی رابطه (RAS). سنجه ارزیابی رابطه (RAS) به دست هندریک و همکاران (۱۹۹۸)، ساخته شده و دارای ۷ پرسش برای سنجش وضعیت رابطه رمانتیک است. در واقع سنجه ارزیابی رابطه (RAS)، تراز رضایت کلی فرد از رابطه، اینکه شریک یا همسر او چگونه به نیازهایش توجه می‌کند، اینکه کیفیت رابطه او در هم سنجی با روابط دیگران چگونه است، رابطه به چه تراز دچار مشکل است و نیز تراز پشیمانی فرد از رابطه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ماده‌های این سنجه به‌صورت لیکرت و در یک طیف ۵ درجه‌ای از ۱ (کمترین تراز رضایت) تا ۵ (بیشترین تراز رضایت) قرار دارد. از این سنجه برای برگزیدن اعضای نمونه استفاده شد. هندریک (۱۹۹۸)؛ به نقل از دوهان و مانیوسا، (۲۰۰۴)، تراز همسانی درونی آن را با به‌کارگیری روش آلفای کرون باخ ۰/۸۶ گزارش کرد. همچنین دوهان و مانیوسا (۲۰۰۴) نیز در پژوهش خود پایایی این سنجه را با به‌کارگیری روش آلفا، ۰/۸۵ گزارش کردند.

خجسته مهر، کوچکی و رجبی (۱۳۹۱) در پژوهش خود پایایی و روایی این سنجه را بسیار مطلوب گزارش کرده‌اند.

سنجه ازدواج خوشبخت. پس از شناسایی عوامل نخستین مطرح شده از سوی زوجین در نشست‌ها مصاحبه و پژوهش منابع موجود در این زمینه از سوی پژوهشگر، یک بانک پرسش تهیه شد. سپس، پژوهشگر با مشورت کارآزمودگان و صاحب‌نظران، از میان عوامل ذکر شده از سوی شرکت‌کنندگان، ماده‌هایی که بتواند الگوی ازدواج بادوام و رضایتمند را توصیف کنند، جمع‌آوری و در چارچوب یک سنجه در اختیار ۵۰ نفر از زنان با ازدواج‌های بادوام رضایتمند قرار داد. سپس سنجه یادشده بر روی نمونه‌ای ۲۳۹ نفری برای شناسایی عوامل نخستین انجام گرفت. پس از انجام تحلیل عامل اکتشافی و شناسایی عوامل، دوباره یک نمونه ۱۶۰ نفری گزینش شد تا یک‌بار دیگر سنجه و عوامل زیربنایی آن به منظور تحلیل عامل تأییدی اجرا و مورد ارزیابی قرار گیرد. سنجه نخستین دربرگیرنده ۸۵ ماده بود که عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند از دیدگاه زنان متأهل را اندازه‌گیری می‌کند. ماده‌های سنجه بر پایه اصول رایج آزمون‌سازی تدوین شده و چندین بار مورد ارزیابی و ویرایش قرار گرفت. برای نمره‌گذاری این سنجه از طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای دربرگیرنده اصلاً وجود نداشت (۱)، کمی وجود داشت (۲)، بعضی اوقات وجود داشت (۳)، بیشتر اوقات وجود داشت (۴) و همیشه وجود داشت (۵) استفاده شد. نمره‌گذاری برخی از ماده‌ها به صورت معکوس است.

روند اجرای پژوهش

برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش ابتدا از یک مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. پس از اجرای مرحله نخست پژوهش و تکمیل نظرات افراد نمونه، پژوهشگر با بررسی نظرات و عوامل ذکر شده از سوی شرکت‌کنندگان و پس از پژوهش منابع، سنجه‌ها و متون موجود در مورد عوامل ماندگاری ازدواج و روابط زوجی موفق، سنجه‌ای تهیه شد که روایی محتوایی آن در ابتدا، بر پایه نظرات صاحب‌نظران و کارآزمودگان گستره خانواده و ازدواج مورد بررسی قرار گرفت. سپس سنجه بر روی

نمونه اصلی اجرا شد و ساختار عاملی آن نیز مورد بررسی قرار گرفت. روایی و پایایی سنجه یادشده نیز با به کارگیری روش‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل‌های این پژوهش عبارت‌اند از: تحلیل‌های توصیفی مانند میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره‌ها، فراوانی و درصد فراوانی و تحلیل‌های آمار استنباطی: دربرگیرنده تحلیل عاملی اکتشافی^۱، تحلیل عاملی تأییدی^۲ (CFA)، ضریب همبستگی پیرسون و ضریب پایایی با روش آلفای کرون باخ. لازم به ذکر است که همه تحلیل‌ها با به کار بردن نرم‌افزار SPSS ویرایش ۲۲ و AMOS ویراست ۱۸ انجام گرفت.

یافته‌ها

شاخص‌های آماری دربرگیرنده میانگین و انحراف استاندارد هر ماده، همراه با ضریب همبستگی هر ماده با نمره کل ۸۶ ماده و ضرایب آلفای کرون باخ پس از حذف هر پرسش، در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی هر ماده با نمره کل و ضریب آلفای ماده‌های سنجه ازدواج خوشبخت

ماده	Mean	SD	R	α	ماده	Mean	SD	R	α
۱	۳/۴۲	۱/۰۶	۰/۴۱۴	۰/۹۵۵	۴۴	۳/۶	۱/۱۳	۰/۶۳۵	۰/۹۵۴
۲	۴/۳۸	۰/۷۶	۰/۴۰۲	۰/۹۵۵	۴۵	۳/۴۸	۱/۰۷	۰/۶۱۹	۰/۹۵۴
۳	۴/۳۹	۰/۷۸	۰/۵۴۹	۰/۹۵۵	۴۶	۳/۶۸	۱/۱	۰/۶۹۴	۰/۹۵۴
۴	۴/۴۰	۰/۷۶	۰/۵۸۲	۰/۹۵۵	۴۷	۳/۷۱	۱/۱۲	۰/۶۹۱	۰/۹۵۴
۵	۴/۱۵	۰/۸۲	۰/۴۵۵	۰/۹۵۵	۴۸	۳/۹۳	۱/۰۵	۰/۵۹۱	۰/۹۵۴
۶	۳/۱۹	۱/۰۵	۰/۳۰۷	۰/۹۵۵	۴۹	۳/۶۲	۱/۰۵	۰/۷۵۶	۰/۹۵۴
۷	۳/۷۴	۱/۲۵	۰/۲۰۵	۰/۹۵۶	۵۰	۳/۵۸	۱/۱۲	۰/۵۷۹	۰/۹۵۴
۸	۴/۳۱	۱/۱۲	۰/۳۱۵	۰/۹۵۵	۵۱	۳/۸۴	۱/۰۲	۰/۷۱۵	۰/۹۵۴
۹	۴/۱۱	۱/۰۲	۰/۵۶۸	۰/۹۵۵	۵۲	۴/۴۳	۰/۸۷	۰/۶۹۰	۰/۹۵۴
۱۰	۳/۵۳	۱/۱۷	۰/۶۱۷	۰/۹۵۴	۵۳	۳/۹۱	۱/۰۸	۰/۴۳۸	۰/۹۵۵
۱۱	۴/۲۷	۰/۹۷	۰/۶۱۵	۰/۹۵۴	۵۴	۳/۷۲	۱/۱۱	۰/۶۳۴	۰/۹۵۴

1. Exploratory factor analysis (EFA)
2. confirmatory factor analysis

ادامه جدول ۱.

۰/۹۵۴	۰/۶۷۲	۱/۰۷	۳/۸۷	۵۵	۰/۹۵۶	۰/۱۳۰	۱/۴۳	۲/۲۶	۱۲
۰/۹۵۶	۰/۰۸	۰/۵۷	۴/۸۹	۵۶	۰/۹۵۵	۰/۳۷۹	۱/۰	۴/۲۱	۱۳
۰/۹۵۶	۰/۰۱	۱/۱۸	۲/۱۲	۵۷	۰/۹۵۵	۰/۳۰۱	۱/۰۵	۳/۶	۱۴
۰/۹۵۴	۰/۷۷۰	۰/۹۰	۴/۲۶	۵۸	۰/۹۵۵	۰/۵۲۲	۱/۱۲	۳/۳۲	۱۵
۰/۹۵۴	۰/۷۴۴	۱/۰	۴/۲۱	۵۹	۰/۹۵۵	۰/۵۲۹	۱/۰۷	۳/۹۴	۱۶
۰/۹۵۵	۰/۵۵۱	۱/۱	۴/۱۸	۶۰	۰/۹۵۶	۰/۱۶۴	۱/۱۱	۴/۲۳	۱۷
۰/۹۵۵	۰/۳۵۵	۱/۴۲	۳/۹	۶۱	۰/۹۵۵	۰/۲۷۰	۰/۹۱	۴/۴۴	۱۸
۰/۹۵۵	۰/۵۱۴	۰/۹۲	۴/۲۷	۶۲	۰/۹۵۵	۰/۳۰۹	۰/۸۹	۴/۴۶	۱۹
۰/۹۵۶	۰/۱۷۱	۱/۳۷	۳/۹۲	۶۳	۰/۹۵۵	۰/۳۵۰	۰/۹	۴/۵۳	۲۰
۰/۹۵۴	۰/۶۳۰	۰/۹۷	۴/۰۷	۶۴	۰/۹۵۵	۰/۴۳۱	۰/۶۲	۴/۷۳	۲۱
۰/۹۵۵	۰/۵۷۲	۰/۷۴	۴/۶۱	۶۵	۰/۹۵۶	۰/۱۰۲	۱/۰۵	۴/۲۲	۲۲
۰/۹۵۴	۰/۶۵۷	۱/۱۳	۳/۸۷	۶۶	۰/۹۵۵	۰/۳۳۲	۱/۱۵	۳/۶۷	۲۳
۰/۹۵۵	۰/۲۵۱	۱/۰۳	۴/۴۴	۶۷	۰/۹۵۵	۰/۳۸۸	۰/۹۱	۴/۰۲	۲۴
۰/۹۵۵	۰/۴۲۸	۱/۱۵	۳/۷۴	۶۸	۰/۹۵۷	-۰/۰۵	۱/۲۳	۲/۹۷	۲۵
۰/۹۵۴	۰/۷۵۴	۱/۰۲	۳/۹۹	۶۹	۰/۹۵۴	۰/۶۲۲	۰/۹	۴/۲۷	۲۶
۰/۹۵۶	۰/۱۳۵	۱/۱۵	۳/۲۶	۷۰	۰/۹۵۵	۰/۳۶۷	۱/۲۲	۳/۹	۲۷
۰/۹۵۵	۰/۵۲۶	۰/۹۶	۴/۲۷	۷۱	۰/۹۵۶	۰/۰۱	۱/۳۴	۳/۳۹	۲۸
۰/۹۵۵	۰/۴۴۷	۰/۹۹	۴/۴۱	۷۲	۰/۹۵۵	۰/۴۷	۱/۹۲	۳/۷۹	۲۹
۰/۹۵۵	۰/۵۰۱	۰/۸۱	۴/۵۳	۷۳	۰/۹۵۵	۰/۳۳۲	۱/۲۴	۳/۳	۳۰
۰/۹۵۴	۰/۷۴۱	۱/۰۷	۳/۹۲	۷۴	۰/۹۵۴	۰/۶۲۶	۱/۰	۴/۰۲	۳۱
۰/۹۵۵	۰/۲۷۹	۱/۱۷	۴/۱۳	۷۵	۰/۹۵۵	۰/۳۸۴	۱/۱۸	۳/۰۹	۳۲
۰/۹۵۴	۰/۶۹۵	۱/۰۹	۳/۹۳	۷۶	۰/۹۵۵	۰/۳۶۴	۱/۰۹	۴/۰۳	۳۳
۰/۹۵۵	۰/۲۹۹	۱/۰۷	۴/۲۴	۷۷	۰/۹۵۴	۰/۶۷۸	۱/۰۴	۳/۷۵	۳۴
۰/۹۵۵	۰/۵۸۰	۰/۹۸	۴/۰۳	۷۸	۰/۹۵۶	۰/۲۲۲	۱/۱۵	۴/۲	۳۵
۰/۹۵۴	۰/۶۶۷	۱/۰۳	۳/۷۹	۷۹	۰/۹۵۴	۰/۵۹۸	۱/۰۱	۴/۲۸	۳۶
۰/۹۵۷	-۰/۱۱	۱/۲۶	۲/۳۴	۸۰	۰/۹۵۵	۰/۴۳۰	۱/۱۴	۳/۴۶	۳۷
۰/۹۵۵	۰/۳۳۵	۱/۰۶	۳/۶۸	۸۱	۰/۹۵۴	۰/۶۷۲	۰/۹۰	۴/۲۷	۳۸
۰/۹۵۵	۰/۳۷۱	۱/۰۸	۴/۴	۸۲	۰/۹۵۴	۰/۷۰۸	۱/۰۵	۳/۷۳	۳۹
۰/۹۵۵	۰/۵۳۰	۱/۰۲	۴/۱	۸۳	۰/۹۵۴	۰/۶۳۶	۱/۰۸	۳/۵۷	۴۰
۰/۹۵۶	۰/۰۷۸	۰/۳	۴/۹۶	۸۴	۰/۹۵۵	۰/۵۶۴	۰/۹۰	۳/۸۸	۴۱
۰/۹۵۶	۰/۱۵۶	۱/۲۳	۳/۳۷	۸۵	۰/۹۵۴	۰/۵۹۴	۰/۹۶	۳/۸۱	۴۲
۰/۹۵۶	۰/۱۸۱	۱/۰۹	۳/۸۹	۸۶	۰/۹۵۵	۰/۵۴۰	۱/۱۸	۳/۵۵	۴۳

۱- درجه مطلوبیت: همان گونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، بیشترین میانگین در مجموعه ۸۶ ماده، از آن ماده ۸۴، ۵۶ و ۲۱ است. این برآمدها نشان می‌دهد که ماده‌های مذکور دارای درجه مطلوبیت بالاتری است. از سوی دیگر، کمترین میانگین متعلق به ماده ۵۷، ۱۲ و ۸۰ است، که نشان می‌دهد از درجه مطلوبیت کمتری برخوردار است.

۲- قدرت تشخیص: بیشترین انحراف استاندارد از آن ماده ۱۲، ۶۱ و ۶۳ است که این برآمدها نشان می‌دهد که گروه نمونه در این گویه‌ها همگونی کمتری دارند. از سوی دیگر، کمترین انحراف استاندارد از آن ماده ۸۴، ۵۶ و ۲۱ است که این برآمدها نشان می‌دهد که گروه نمونه در این گویه‌ها همگونی بیشتری دارند.

۳- همبستگی درونی: همان گونه که ملاحظه می‌شود، ماده‌های ۵۸، ۴۹ و ۵۹ به ترتیب با ضرایب ۰/۷۷۰، ۰/۷۵۶ و ۰/۷۴۴ بیشترین همبستگی (قدرت تشخیص) و ماده‌های ۸۰، ۲۵، ۲۸، ۵۷، ۸۴ و ۵۶ کمترین همبستگی یا همبستگی منفی را با نمره کل نشان داده است. این ضرایب نشان می‌دهد که همه ماده‌ها (به جز ۶ ماده) دارای همبستگی مناسب و بالایی با نمره کل هستند. بنابراین بهتر است در وضع کنونی مجموعه ماده‌ها، ۶ ماده حذف گردد.

۴- ضریب آلفای کرون باخ: ضریب پایایی کل مجموعه ۸۶ ماده‌ای که بر پایه آلفای کرون باخ برآورد شده است برابر ۰/۹۵۵ به دست آمد. اندازه آلفای کرون باخ پس از حذف هر ماده نشان‌دهنده این است که پس از حذف آن ماده، پایایی کل سنج به چه تراز افزایش یا کاهش یافته است. همان گونه که ملاحظه می‌شود، ضرایب آلفای کرون باخ پس از حذف هر ماده برای همه ماده‌ها، نمایانگر این است که حذف هیچ کدام از ماده‌ها منجر به افزایش پایایی کل سنج نخواهد شد، از این رو هیچ کدام از ماده‌ها نا پایا تشخیص داده نشدند.

اندازه KMO منعکس کننده بسندگی نمونه برداری و به منظور بررسی درباره این مطلب که آیا ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست، از آزمون کرویت بارلت استفاده شد. برآیندهای این دو آزمون در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲. اندازه‌های KMO و آزمون کرویت بارتل

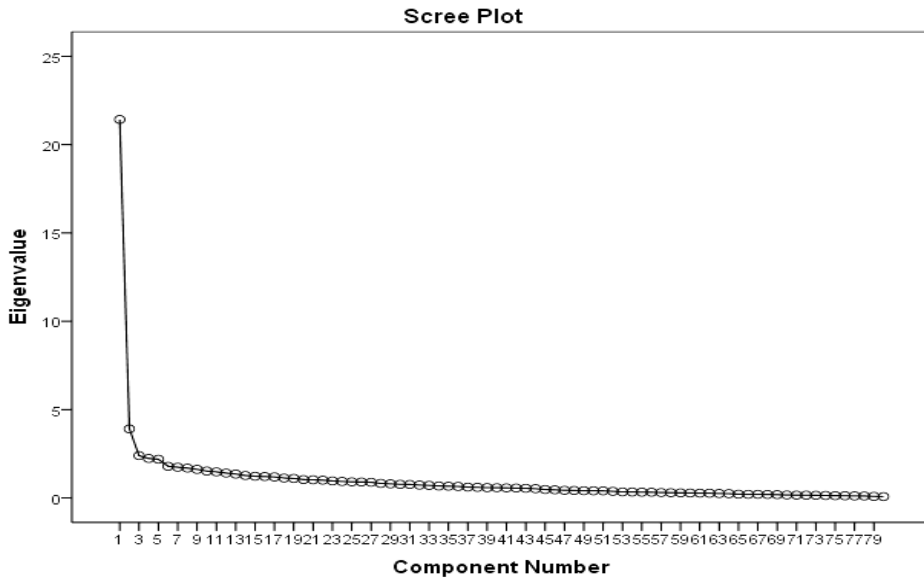
اندازه KMO	آزمون کرویت بارتل	df	معنی داری
۰/۸۹۰	۹۲۰۷/۰۸	۳۱۶۰	۰/۰۰۱

چنانکه در این جدول دیده می‌شود، اندازه KMO برابر با ۰/۸۹۰ و سطح معنی دار بودن آزمون کرویت بارتل نیز کمتر از ۰/۰۰۱ است. بنابراین، بر پایه هر دو ملاک می‌توان نتیجه گرفت که اجرای تحلیل عاملی بر پایه ماتریس همبستگی حاصل در نمونه مورد مطالعه، قابل توجیه خواهد بود. بر پایه این داده‌ها می‌توان به استخراج عامل‌ها اطمینان کرد. برای اینکه، استخراج عامل‌ها مناسب و هماهنگ با ساختار فرهنگی و اجتماعی گروه نمونه باشد، چندین بار تحلیل عاملی با روش‌های گوناگون اجرا شد که بر این اساس، در تعداد عامل‌ها، حداقل مقدار ویژه و حداقل بارهای عاملی تغییرات متعددی اجرا شد تا در نهایت بتوان بهترین ساختار عاملی را ارائه داد. با توجه به اینکه نمودار Scree تعداد عامل‌های زیادی را پیشنهاد داد (۲۲ عامل با ارزش ویژه حداقل ۱) و با توجه به رعایت پیش‌فرض‌هایی که در بخش‌های پیشین بدان‌ها اشاره شد، در نهایت پیشنهاد شد تا راه‌حل نه عاملی اجرا و برآیندهای حاصل استخراج شود. پس از چندین بار اجرای تحلیل عاملی و استخراج عامل‌های انبوه و هم‌سنجی عامل‌های استخراج‌شده با ساختار نظری سنج و مبانی نظری موجود و نیز در نظر گرفتن مفروضه‌های تحلیل عاملی که در بالا به آن‌ها اشاره شد تعداد ۹ عامل با روش واریماکس استخراج شد. ویژگی‌های آماری که در اجرای تحلیل مؤلفه‌های اصلی به دست آمده، در جدول ۳ نمایش داده شده است. همان‌گونه که دیده می‌شود، ارزش‌های ویژه ۹ عامل بزرگ‌تر از ۲ است و درصد پوشش پراکنش مشترک میان متغیرها برای این ۹ عامل بر روی هم ۶۰ درصد کل پراکنش را تبیین می‌کند.

جدول ۳. اندازه‌های ارزش ویژه، درصد پراکنش و درصد پراکنش تراکمی عوامل نه‌گانه

عامل	ارزش ویژه	درصد پراکنش	درصد تراکمی
۱	۲۲/۶۷	۲۸/۳۴	۲۸/۳۴
۲	۴/۸۳	۹/۴۳	۳۷/۷۷
۳	۳/۱۹	۵/۴۹	۴۳/۲۶
۴	۲/۷۲	۳/۴	۴۶/۶۶
۵	۲/۵۳	۳/۱۷	۴۹/۸۳
۶	۲/۳۴	۲/۹۳	۵۲/۷۶
۷	۲/۱۱	۲/۶۴	۵۵/۴
۸	۲/۰۲	۲/۵۳	۵۷/۹۳
۹	۲/۰۱	۲/۴۷	۶۰/۴

از نمودار Scree نیز که در شکل ۱ نمایش داده شده است می توان استنباط کرد که سهم عامل یکم و دوم در پراکنش کل متغیرها چشمگیر و از سهم بقیه عامل ها کاملاً متمایز است.



شکل ۱. نمودار Scree برای مجموع ۸۰ سؤال عوامل ماندگاری ازدواج های پایدار رضایتمند

برخی پژوهشگران به منظور تحقیق درباره ماهیت روابط بین متغیرها و نیز دستیابی به تعاریف و نام گذاری عامل ها، ضرایب دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۳۵ و گاه بالاتر از ۰/۴۰ را در تعریف عامل ها مهم و بامعنا دانسته و ضرایب کمتر از این حدود را صفر (عامل تصادفی) در نظر گرفته اند. برای تفسیر عامل ها جونز (۱۹۵۴) کمترین مقدار بار عاملی را برابر با ۰/۳۰، هومن (۱۳۸۲) برابر ۰/۳۵ و رینولدز^۱ و همکاران (۱۹۸۸، به نقل از هومن، ۱۳۸۲) برابر با ۰/۴۰ قابل قبول دانسته اند. در پژوهش حاضر به دلیل اشتراک بین ماده ها، این ضریب برابر با ۰/۴۰ در نظر گرفته شد. ماتریس ساختار که بر اثر چرخش واریماکس و افزایش ضریب به وجود آمده، در جدول ۴ نمایش داده شده است.

ادامه جدول ۴.

-	-	-	-	-	۰/۵۴	-	۳۶- زورگویی علیه یکدیگر
-	-	-	-	-	۰/۴۸	-	۳۷- داشتن ظاهر زیبا و جذابیت ظاهری
-	-	-	-	-	۰/۴۴	-	۳۸- مسئولیت‌پذیر بودن نسبت به وظایف خود
-	-	-	-	-	۰/۷۲	-	۳۹- ارتباط جسمی و بدنی خوب و گرم و پرهیجان بودن نسبت به همدیگر
-	-	-	-	۰/۶۳	-	-	۴۰- هماهنگی و وقت گذاشتن در زمینه تفریحات و مسافرت
-	-	-	-	-	۰/۵۴	-	۴۱- گذشت کردن و بخشش هنگام اشتباه و قصور
-	-	-	-	-	۰/۴۳	-	۴۲- رسیدگی کردن به ظاهر خود و آراسته بودن
-	-	-	-	-	۰/۵۵	-	۴۳- مشارکت کردن در کارهای خانه
-	-	-	-	-	۰/۶۹	-	۴۴- ابراز علاقه و محبت کلامی به همدیگر
-	-	-	-	۰/۶۷	-	-	۴۵- خوش‌مشرب بودن و اهمیت دادن به اوقات فراغت
-	-	-	-	-	۰/۸۰	-	۴۶- شنونده خوب بودن در مقابل یکدیگر
-	-	-	۰/۶۷	-	-	-	۴۷- توجه به خواسته‌های همدیگر در مورد آراستگی ظاهری و پوشش
-	-	-	-	-	۰/۶۶	-	۴۸- مشارکت کردن در تربیت فرزندان
-	-	-	۰/۷۴	-	-	-	۴۹- علاقه داشتن به صفات و عادات رفتاری و شخصیتی یکدیگر
-	-	-	-	-	۰/۷۳	-	۵۰- بحث و تبادل نظر باهم برای حل تعارضات و مشکلات
-	-	-	-	-	۰/۷۲	-	۵۱- همدلی و درک یکدیگر در شرایط مختلف
-	-	۰/۴۷	-	-	-	-	۵۲- اطمینان و اعتماد داشتن به همدیگر
-	-	-	-	-	۰/۴۱	-	۵۳- مشارکت کردن در کارهای بیرون از خانه
-	-	-	-	-	۰/۶۷	-	۵۴- راحت بودن در بیان احساسات واقعی و بیان خواسته‌ها و نیازها به یکدیگر
-	-	-	-	-	۰/۶۶	-	۵۵- در میان گذاشتن مشکلات با یکدیگر
-	-	-	-	-	۰/۴۱	-	۵۸- احترام به همدیگر
-	-	-	-	-	۰/۶۸	-	۵۹- مشورت با همدیگر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی مشترک
-	-	۰/۵۰	-	-	-	-	۶۰- توافق در مورد محل زندگی
-	-	-	-	-	۰/۴۱	-	۶۲- مخفی‌کاری نسبت به همدیگر
-	-	-	-	-	۰/۵۲	-	۶۴- حمایت از یکدیگر در جمع
-	-	۰/۴۲	-	-	-	-	۶۵- وفاداری و تعهد به همدیگر
-	-	-	-	-	۰/۴۸	-	۶۶- کمک به همدیگر در انجام کارهای شخصی
-	-	۰/۴۶	-	-	-	-	۶۸- توافق بر سر شیوه‌ی تربیت فرزند
-	-	-	-	-	۰/۶۵	-	۶۹- وجود رابطه دوستانه و صمیمانه بین خودمان

ادامه جدول ۴.

۰/۵۴	-	-	-	-	-	-	-	۷۱- توجه به پیشرفت و موفقیت فردی طرف مقابل
۰/۴۳	-	-	-	-	-	-	-	۷۲- کینه‌ای بودن نسبت به همدیگر
۰/۵۰	-	-	-	-	-	-	-	۷۳- اهمیت دادن به تربیت و نیازهای فرزندان
۰/۵۹	-	-	-	-	-	-	-	۷۴- قدردانی از یکدیگر
۰/۴۴	-	-	-	-	-	-	-	۷۵- دیر آمدن به خانه
۰/۴۸	-	-	-	-	-	-	-	۷۶- همبستگی و اتحاد با یکدیگر
۰/۵۴	-	-	-	-	-	-	-	۷۷- داشتن افکار و رفتارهای وسواسی
۰/۵۶	-	-	-	-	-	-	-	۷۸- منصف بودن در روابط و مسئولیت‌های زندگی مشترک
۰/۵۴	-	-	-	-	-	-	-	۷۹- اطلاع داشتن از نیازهای یکدیگر
۰/۵۶	-	-	-	-	-	-	-	۸۲- بدبینی و بددل بودن در زندگی مشترک
۰/۵۳	-	-	-	-	-	-	-	۸۵- اختصاص دادن زمان زیاد به روزنامه، تلویزیون، اینترنت و ...

نتیجه چرخش متعامد عامل‌ها نشان داد که از میان ۸۰ ماده باقیمانده، تعداد ۱۵ ماده (۱، ۹، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۶۱، ۶۳، ۶۷، ۷۰، ۸۱، ۸۳ و ۸۶) دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ است. بنا بر آنچه در بالا گفته شد، بر پایه نتایج تحلیل مواد مقیاس که بر اثر اجرای روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PC) به دست آمده، تعداد عامل‌هایی که مبنای تعیین مشخصه‌های نهایی قرار گرفته ۹ عامل بوده است. بر پایه ماتریس ساختار عامل‌ها، ماده‌هایی که مشترکاً با یک عامل همبسته بوده تشکیل یک پاره آزمون می‌دهند به شرح زیر و به ترتیب بیشترین بار عاملی استخراج و نام‌گذاری گردید. بر اساس نتایج به دست آمده عامل‌ها به صورت زیر نام‌گذاری گردید: شیوه ارتباط و حل تعارض مناسب؛ حمایت، توجه، احترام و قدردانی به یکدیگر؛ ویژگی‌های شخصیتی و مسئولیت‌پذیری؛ صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی؛ کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات؛ همخوانی زوجین و انعطاف‌پذیر بودن؛ تعهد و وفاداری؛ داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک و مسائل مالی و شغلی.

نتایج حاصل از فرمول کلی آلفای کرون باخ که در مورد عامل‌های ۹ گانه عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند بکار رفته و ضرایب همبستگی بین نمره کل و عوامل نه‌گانه با نمره کل سنجه ارزیابی رابطه (RAS) برای بررسی روایی ملاکی سنجه در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. ضرایب پایایی و همبستگی بین نمره کل و عوامل نه‌گانه با سنجه ارزیابی رابطه (RAS)

عامل	پایایی		روایی	
	تعداد ماده	پایایی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
اول	۱۲	۰/۸۶	۰/۷۶	۰/۰۰۱
دوم	۱۰	۰/۸۵	۰/۷۵	۰/۰۰۱
سوم	۹	۰/۷۲	۰/۶۶	۰/۰۰۱
چهارم	۸	۰/۸۷	۰/۶۹	۰/۰۰۱
پنجم	۸	۰/۷۵	۰/۶۳	۰/۰۰۱
ششم	۶	۰/۷۹	۰/۶۸	۰/۰۰۱
هفتم	۴	۰/۷۲	۰/۶۴	۰/۰۰۱
هشتم	۵	۰/۷۴	۰/۵۴	۰/۰۰۱
نهم	۳	۰/۷۷	۰/۵۲	۰/۰۰۱
کل	۶۵	۰/۹۶	۰/۷۹	۰/۰۰۱

با توجه به اینکه ضرایب آلفای کرون باخ همه عوامل بالاتر از ۰/۷۰ است، می‌توان گفت عوامل به‌دست آمده پایا می‌باشند. همچنین، ضریب همبستگی بین نمره هر عامل با نمره سنجه ارزیابی رابطه در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنی‌دارند که این ضرایب نشان‌دهنده روایی سازه عوامل مذکور است. برای بررسی ساختار عاملی سنجه ساخته شده، با معرفی ماده‌های تحت هر عامل به نرم‌افزار AMOS، الگوی اندازه‌گیری متغیرهای نهفته و پارامترهای اندازه‌گیری ماده‌های مرتبط با آن‌ها ارائه گردید. جدول ۶ بارهای عاملی مدل اندازه‌گیری سنجه را با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد.

جدول ۶. بارهای عاملی سنجه ازدواج خوشبخت با استفاده از تحلیل عامل تأییدی

عامل	ماده	پارامتر استاندارد β	نسبت بحرانی	عامل	ماده	پارامتر استاندارد β	نسبت بحرانی	عامل	ماده	پارامتر استاندارد β	نسبت بحرانی
اول	۶	۰/۲۵	-	ششم	۱۴	۰/۲۶	-	سوم	۶	۰/۲۵	-
	۱۱	۰/۵۵	۰/۰۰۰		۳۸	۰/۶۲	۰/۰۰۰		۱۱	۰/۵۵	۰/۰۰۰
	۱۶	۰/۴۷	۰/۰۰۰		۴۳	۰/۴۹	۰/۰۰۰		۱۶	۰/۴۷	۰/۰۰۰
	۲۴	۰/۴۳	۰/۰۰۰		۴۸	۰/۵۶	۰/۰۰۰		۲۴	۰/۴۳	۰/۰۰۰
	۳۱	۰/۶۲	۰/۰۰۰		۵۳	۰/۴۴	۰/۰۰۰		۳۱	۰/۶۲	۰/۰۰۰
	۴۱	۰/۵۷	۰/۰۰۰		۶۲	۰/۴۷	۰/۰۰۰		۴۱	۰/۵۷	۰/۰۰۰
	۴۶	۰/۷۵	۰/۰۰۰		۷۳	۰/۵۱	۰/۰۰۰		۴۶	۰/۷۵	۰/۰۰۰
	۵۰	۰/۶۴	۰/۰۰۰		۷۷	۰/۳۷	۰/۰۰۴		۵۰	۰/۶۴	۰/۰۰۰
	۵۴	۰/۷۱	۰/۰۰۰		۷۸	۰/۶۱	۰/۰۰۰		۵۴	۰/۷۱	۰/۰۰۰
	۵۵	۰/۷۰	۰/۰۰۰		۲۹	۰/۶۳	-		۵۵	۰/۷۰	۰/۰۰۰
دوم	۵۹	۰/۷۷	۰/۰۰۰	هفتم	۳۴	۰/۶۷	۰/۰۰۰	چهارم	۲	۰/۴۱	-
	۷۲	۰/۴۹	۰/۰۰۰		۳۷	۰/۴۶	۰/۰۰۰		۷۲	۰/۴۹	۰/۰۰۰
	۲	۰/۴۱	-		۳۹	۰/۷۹	۰/۰۰۰		۲	۰/۴۱	-
	۵	۰/۴۹	۰/۰۰۰		۴۲	۰/۵۷	۰/۰۰۰		۵	۰/۴۹	۰/۰۰۰
	۱۵	۰/۴۳	۰/۰۰۰		۴۴	۰/۶۹	۰/۰۰۰		۱۵	۰/۴۳	۰/۰۰۰
	۳۶	۰/۵۹	۰/۰۰۰		۶۹	۰/۷۸	۰/۰۰۰		۳۶	۰/۵۹	۰/۰۰۰
	۵۱	۰/۵۶	۰/۰۰۰		۷۹	۰/۶۸	۰/۰۰۰		۵۱	۰/۵۶	۰/۰۰۰
	۵۸	۰/۷۹	۰/۰۰۰		۳	۰/۵۳	-		۵۸	۰/۷۹	۰/۰۰۰
	۶۴	۰/۶۳	۰/۰۰۰		۸	۰/۲۵	۰/۰۰۰		۶۴	۰/۶۳	۰/۰۰۰
	۶۶	۰/۵۷	۰/۰۰۰		۱۰	۰/۷۱	۰/۰۰۰		۶۶	۰/۵۷	۰/۰۰۰
پنجم	۷۱	۰/۴۷	۰/۰۰۰	هشتم	۳۲	۰/۳۶	۰/۰۰۰	پنجم	۷۱	۰/۴۷	۰/۰۰۰
	۷۴	۰/۷۴	۰/۰۰۰		۴۰	۰/۷۰	۰/۰۰۰		۷۴	۰/۷۴	۰/۰۰۰
					۴۵	۰/۷۱	۰/۰۰۰				
					۷۵	۰/۲۰	۰/۰۰۰				
					۸۵	۰/۰۴	۰/۵۵۹				

اجرای تحلیل عامل تأییدی سنجه عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند، منجر به حذف ماده‌ی ۸۵ از عامل سوم گردید. بنابراین، این ماده به علت نداشتن بار عاملی مناسب از سنجه نهایی کنار گذاشته شده‌اند. چنانکه در جدول ۶ مشاهده می‌شود، ضرایب بتا و مقادیر نسبت بحرانی متناظر آن‌ها، تأثیر معنی‌دار ماده‌های مختلف سنجه عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند در اندازه‌گیری عامل‌های مربوطه را نشان می‌دهد؛ بنابراین، روایی تأییدی سنجه نهایی با تعداد ۶۴ ماده در ۹ عامل مورد

تأیید قرار گرفت. پس از برآورد قدرت اثر هر یک از متغیرهای مشاهده شده در اندازه گیری متغیر نهفته و آزمون معنی داری این سهم، برازندگی مدل مسیر به دست آمده مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۷ شاخص های نیکویی برازش مدل اندازه گیری سنجه عوامل ماندگاری ازدواج های پایدار رضایتمند را در تحلیل عاملی تأییدی نشان می دهد.

جدول ۷. شاخص های نیکویی برازش مدل اندازه گیری سنجه ازدواج خوشبخت در

تحلیل عاملی تأییدی

مقدار	شاخص
۴۰۵۰/۱۶	آزمون نیکویی برازش مجذور کای (χ^2)
۱۹۱۶	درجه آزادی (df)
۰/۰۰۱	ارزش p
۲/۱۱	نسبت مجذور کای به درجه آزادی (CMIN/DF)
۰/۹۲۶	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۹۲۵	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
۰/۰۶	ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA)
۰/۰۰۱	احتمال نزدیکی برازندگی (PCLOSE)

شاخص های ارائه شده از نیکویی برازش الگوی به دست آمده در تحلیل عاملی تأییدی با داده های جمع آوری شده حکایت می کند. به عبارت دیگر ساختار ۹ عاملی سنجه عوامل ماندگاری ازدواج های پایدار رضایتمند، مورد تأیید قرار می گیرد.

نتیجه گیری

یافته ها با به کارگیری تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) و سپس تحلیل عاملی تأییدی (CFA) مورد ارزیابی قرار گرفتند. در این بخش برآمدها به تفصیل مورد بررسی و بحث قرار می گیرند. برآمدهای پژوهش نشان داد که از دیدگاه زنان، "شیوه ارتباط و حل تعارض مناسب" مهم ترین عامل در ماندگاری ازدواج پایدار رضایتمند آنها است. یافته به دست آمده با برآمد پژوهش های بسیاری مانند لونر و همکاران (۲۰۱۶)؛ شریف و همکاران (۲۰۱۳)؛ نیمتر (۲۰۱۱)؛ داناوان (۲۰۰۴)؛ آسوده و همکاران (۲۰۱۱) هم خوانی دارد. کاسلوف و رابیسون (۱۹۹۶) در بررسی عوامل ماندگاری ازدواج به ارتباطات باز، مستقیم و منظم به عنوان عاملی برجسته در ازدواج های موفق و همچنین، فنل (۱۹۹۳) به توانایی عفو و گذشت و

مورد گذشت واقع‌شدن؛ و ماسکی و ابراین (۱۹۹۵) به عامل مهار و مدیریت تعارضات در ماندگاری ازدواج‌هایی زن و شوهر باهم رشد می‌کنند، اشاره دارند. ارتباط به زوجین اجازه می‌دهد که در یک سطح کاملاً عملی باهم گفتگو کنند، به حل مشکلات پردازند و دانستی‌های باارزش را دادوستد کنند. همسرهایی که نمی‌توانند ناسازگاری‌ها را به سازگاری دگرگون کنند، بیشتر در سیکل نیازهای نافرجامی که سال‌ها تکرار شده است، گیر می‌کنند؛ ولی هنگامی زوج‌ها دارای خطوط باز ارتباطی باشند، آن‌ها از یکدیگر به‌عنوان پشتیبان و به‌عنوان یک آینه انعکاس‌دهنده برای مشکلات استفاده می‌کنند. از زاویه‌ای دیگر، وقتی زوج‌ها انواع دیگری از مشکلات را دارند، دچار مشکلات ارتباطی نیز می‌شوند. وقتی زوج‌ها دارای مشکلات جدی هستند، گرایش دارند که ارتباط کمتری برقرار کنند و چون اطلاعات کمتری مبادله می‌شود احتمال سوءتفاهم افزایش می‌یابد. یک ارتباط کاملاً دربرگیرنده و صمیمی می‌تواند مشکلات میان افراد را التیام بخشد، ولی وقتی زوج‌ها دچار مشکل می‌شوند ارتباطشان در هر دو بعد کیفی و کمی تضعیف می‌شود و کمتر قادرند از ابزارهایی که می‌توانند به آن‌ها کمک کند استفاده نمایند. تأکید اصلی در افزایش ارتباط این است که به زوج‌ها کمک شود تا درک کنند ارتباط یک سری از مهارت‌هایی است که می‌تواند یاد گرفته شود (یانگ و لانگ، ۱۹۹۸). جنبه‌ی دیگر مقوله‌ی ارتباط، نحوه‌ی برخورد با تعارض است. تعارض نباید همیشه به‌صورت مسئله‌ای منفی در روابط تلقی شود، بلکه روشی که زوجین برای مدیریت و حل تعارضاتشان انتخاب می‌کنند، تأثیر منفی بیشتری نسبت به خود تعارض بر رابطه می‌گذارد (گاتمن و سیلور، ۲۰۰۰). زوجین شیوه‌های مختلف و متفاوتی برای برخورد با تعارض دارند. بعضی نهایت کوشش خود را برای اجتناب از دعوا بکار می‌برند و بعضی اجازه می‌دهند تعارض به تشنج کشیده شود ولی عده‌ای قادرند در مورد اختلافات خود به مذاکره پردازند و بدون بالا بردن صدا، راه‌حلی مسالمت‌آمیز پیدا کنند. هیچ راه‌حلی از دیگری بهتر نیست و هیچ راه‌حلی به‌عنوان یک روش قطعی که در درازمدت جوابگویی همه تعارضات زوجین باشد وجود ندارد (گاتمن و سیلور، ۲۰۰۰). بر این اساس پژوهشگران به‌جای تمرکز بر وجود یا عدم وجود تعارض و فراوانی آن در خانواده‌ها، بر چگونگی حل تعارض در زوجین و روش‌هایی که آنان بکار می‌برند، تمرکز کرده‌اند. ازدواج‌های پایدار، بیشتر مراحل تنش‌زای زندگی را طی می‌کنند. به‌عنوان مثال، دوران بلوغ فرزندان

به‌عنوان زمانی مطرح شد که رابطه زوجین با چالش‌های زیادی مواجه است. اغلب اوقات این مسئله به الگوهای ارتباطی بهتری منجر می‌شود. زوجین موفق باگذشت زمان بهتر می‌توانند نظرات خود را بیان کنند و نظرات همسرشان را هم بهتر می‌پذیرند که این ویژگی‌ها جزء عوامل رضایت بیشتر هستند. ارتباط واضح و شفاف یا حداقل ترکیبی از حالات واضح و ابزاری (نشان دادن به‌جای گفتن) با رضایت بیشتر همراه هستند.

برآمدها نشان داد که از دیدگاه زنان، "حمایت، توجه، احترام و قدردانی به یکدیگر" عامل دوم بااهمیت در ماندگاری ازدواج پایدار رضایت‌مند آن‌ها است. یافته به‌دست‌آمده با برآمد پژوهش‌های بسیاری مانند بلاچ و همکاران (۲۰۱۴)؛ آلفورد-کوپر (۱۹۹۸)؛ نیمتز (۲۰۱۱)؛ داناوان (۲۰۰۴)؛ آسوده و همکاران (۲۰۱۱) و فنل (۱۹۹۳) هم‌خوانی دارد. کاسلوف و رایسون (۱۹۹۶) به تشویق و ارائه یک سیستم حمایتی و تعلق فردی به خانواده برای رشد و پرورش شخصی؛ سپاسگزاری، بیان و توجه مثبت به‌طرف مقابل بدون داشتن چشم‌داشت اشاره کرده‌اند. همچنین، کلاگس‌بورن (۱۹۸۵) به قدردان بودن و ماسکی و ابراین (۱۹۹۵) به عامل تصمیم‌گیری دوجانبه و مشارکتی، احترام، درک و برابری در رابطه در ماندگاری ازدواج‌هایی زن و شوهر باهم رشد می‌کنند، اشاره دارند. گاتمن (۱۹۹۹) به‌طور شگفت‌انگیزی به یک واقعیت ساده درباره زوجین شاد دست‌یافت. آن‌ها مانند دوستان، خوب رفتار می‌کردند، یعنی رابطه آن‌ها توأم با احترام، محبت، همدلی و مدیریت تعارض‌ها به روشی مثبت و آرام بود. این کار یعنی ننگریستن به اشتباهات گذشته‌ی طرف مقابل، تمرکز بر ویژگی‌های مثبت او، پذیرش طرف مقابل و تکمیل یکدیگر (به نقل از کانری و همکاران، ۲۰۰۲). ازدواج یک سیستم حمایتی ایجاد می‌کند که در آن، مشکلات و تضادها پردازش و حل می‌شوند (دهلی، لارسن و لاندروز، ۲۰۰۱). زوجین موفق، به‌موقع از همدیگر حمایت کرده و علیرغم اختلاف‌نظرها، به خواسته‌های طرف مقابل توجه نشان می‌دهند. با بررسی برآمدها می‌توان گفت که احترام، اطمینان و درک شدن از سوی همسر در سال‌های نخست ازدواج برای رضایت زناشویی حیاتی هستند. بااین‌حال در سال‌هایی که فرزندان پدرومادر را ترک می‌کنند؛ متقابل بودن این ارزش‌ها برای افزایش رضایت حیاتی است. یک ازدواج موفق با عشق و احترام متقابل همراه است که فراتر از گرایش جنسی است و در تراز نزدیکی و صمیمیتی نقش دارد که تنها در طی زمان گسترش می‌یابد. همه زوج‌های این پژوهش ازدواج خود را بسیار شاد و رضایت‌مند توصیف

کردند. این ارزیابی هم به معنی حس احترام و شادی دریافت شده از سوی همسر و هم به معنی احترام و تحسین ویژگی‌های خاصی در همسرشان بود. اهمیت احترام متقابل با این گفته‌ها والرشتاین و بلاکسلی (۱۹۹۶) آشکار می‌شود که از میان رفتن احترام یکی از عناصر بنیادی طلاق زوجین است. چنین به نظر می‌رسد که همسران افزون بر اینکه خود را ارزشمند و سزاوار عشق می‌دانند، اعتقادی نیرومند داشتند مبنی بر اینکه همسرشان ارزش عشق ورزیدن را دارد. زوجین شاد در هم سنجی با زوجین ناشاد، با یک بنیاد استوار رابطه خود را آغاز می‌کنند و پی می‌برند که رابطه زناشویی به حفظ و نگهداری دائمی نیاز دارد که جز با احترام، توجه، حمایت و قدردانی از یکدیگر به دست نمی‌آید.

برآمدها نشان داد که از دیدگاه زنان، "ویژگی‌های شخصیتی و مسئولیت‌پذیری" سومین عامل در ماندگاری ازدواج پایدار رضایتمند آن‌ها است. یافته به‌دست آمده با برآمد پژوهش‌های بسیاری مانند خوش‌دست و همکاران (۲۰۱۶)؛ ویا و همکاران (۲۰۱۳)؛ شکر کن و همکاران (۱۳۸۶) و استانلی (۲۰۰۱) هم‌خوانی دارد. روابط زناشویی از عوامل گوناگون اثر می‌پذیرد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های هیجانی، ارتباطی، تجربی، بازخوردی و انگیزشی فرد هستند که در طی زمان ثابت فرض شده‌اند (کاستا و مک‌کری، ۱۹۸۸). زوجینی که بیش از ۲۵ سال با یکدیگر بوده‌اند چه‌بسا یک دسته ویژگی مشترک دارند که توانایی حفظ ارتباط در زمان سختی‌ها و دشواری‌هایی که برای همه رخ دادنی و دردسرساز هستند را می‌دهد (کاسلوف و رایسون، ۱۹۹۶). با این حال بر پایه دیدگاه گاتیس، برنز، سیمپسون و کریستینسن (۲۰۰۴) شخصیت همسان لزوماً بیان‌گر یک کیفیت ارتباطی خوب یا بد نیست. شیوتا و لوینسون (۲۰۰۷)؛ درایر و هورووتیز (۱۹۹۷) و مورای و همکاران (۲۰۰۲) به یک دیدگاه مکمل اشاره کردند، مبنی بر اینکه زوجین دارای شخصیت‌های ناهمسان می‌توانند دامنه گسترده‌تری از مهارت‌ها و توانایی‌ها را به رابطه زناشویی بیاورند و برآیند اینکه وظایف روزانه بهتر انجام شده و اهداف با تضاد کمتری حاصل شوند. شیوتا و لوینسون (۲۰۰۷) هم دریافتند که همسانی‌های شخصیتی، شیب‌های منفی‌تری را در مسیرهای رضایت زناشویی پیش‌بینی می‌کنند، به‌ویژه، از دید وجدانی بودن و برون‌گردی در ازدواج‌های بلندمدت که مسئولیت‌های خارج از رابطه زناشویی در اوج خود قرار می‌گیرند. نظری (۱۳۸۹) معتقد است که در ازدواج‌های موفق، زوج‌ها مسئولیت رفتار

خود را می‌پذیرند و انتظار ندارند که شریک زندگی‌شان مسئول شادی و خرسند نگه‌داشتن آن‌ها باشد. ویژگی‌های شخصیتی بسیار گوناگون و انبوه هستند و برخی از آن‌ها میانجیگری بیشتری در رضایت از زندگی مشترک دارند. بر پایه برآمد پژوهش‌هایی که در بالا یادآوری شد، هرازگاهی همسانی‌ها و گاهی ناهمسانی‌ها در ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند پیش‌بینی کننده ماندگاری و موفقیت در ازدواج باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت که زوجین در ازدواج‌های بادوام رضایتمند از ویژگی‌های شخصیتی یکدیگر رضایت داشته و آن‌ها را می‌پذیرند. همچنین، مسئولیت‌پذیر بودن زوجین بسیار بااهمیت است. با توجه به افزایش سطح رفاه در زندگی‌های امروز و تغییر دیدگاه افراد به زندگی‌های مشترک، مسئولیت‌پذیری در قبال خانه و خانواده نیز تغییر یافته است و زوجین از همدیگر انتظار دارند که هم در مسئولیت‌های داخل و هم خارج از خانواده شریک باشند. زوجین موفق، در زمینه پذیرش این مسئولیت‌ها بهتر عمل می‌کنند و انصاف را رعایت می‌کنند و سعی نمی‌کنند که همهٔ مسئولیت‌ها بر دوش یک نفر باشد. در واقع، آن‌ها می‌توانند روی کمک و مسئولیت‌پذیری طرف مقابل حساب کنند که این مسئله به افزایش بازده و بهره‌وری منجر می‌شود.

برآمدهای پژوهش نشان داد که از دیدگاه زنان، "صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی" چهارمین عامل در ماندگاری ازدواج پایدار رضایتمند آن‌ها است. یافته به‌دست آمده با برآمد پژوهش‌های بسیاری مانند ماسکی و اُبراین (۱۹۹۵)، نظری (۱۳۸۹) و والرشتاین و بلاکسلی (۱۹۹۵) مطابقت دارد. لوینگر^۱ (۱۹۷۶)، به نقل از نیمتز، (۲۰۱۱) معتقد است که احتمال دوام ازدواج به سه عامل بستگی دارد که مهم‌ترین عامل، جذابیت یا کشش متقابل است که منجر به ایمنی و رضایت جنسی می‌شود. یک رابطه جنسی رضایت-بخش آن‌قدر مهم است که گرلیلی^۲ (۱۹۹۴)، به نقل از نیمتز، (۲۰۱۱) معتقد است با نزدیک‌تر کردن زوجین از نظر عاطفی به یکدیگر و از بین بردن تنش، باعث سلامت ازدواج می‌شود. همچنین، به نظر فنل (۱۹۹۳)، دوستی بین زوجین، به تقویت رابطه منجر می‌شود که از زندگی زوجین در کنار یکدیگر حمایت می‌کند و می‌تواند به ایجاد رابطه جنسی گرم و مطمئن و یک رابطه بدنی لذت‌بخش و غنی توأم با تعهد منجر شود. ابراز میل جنسی در روابط بلندمدت زوجین، در سلامت زناشویی نقش دارد. اغلب

1. Levinger
2. Greeley

تصور می‌شود که رابطه جنسی یکی از فعالیت‌های بیولوژیکی است که با افزایش سن زوجین از بین می‌رود؛ ولی بسیاری از زوجین از یک رابطه جنسی سالم در سرتاسر زندگی خود لذت می‌برند (کاپلان، ۱۹۹۰). در ازدواج‌های بلندمدت رابطه جنسی می‌تواند تضمینی برای افزایش عشق و دوستی بین زوجین باشد. زوجین با ازدواج‌های پایدار رضایتمند، رابطه جنسی را عامل صمیمیت می‌دانند و در رابطه جنسی هم خود و هم همسرشان لذت می‌برند. ابراز عشق از طریق رابطه جنسی، نه تنها در ابتدای ازدواج، بلکه در سراسر زندگی مشترک اهمیت دارد. اگرچه تولد و بزرگ شدن فرزندان و تغییرات فیزیولوژیکی افراد در سنین بالا باعث اختلال در عملکرد و کیفیت رابطه جنسی می‌شود، ولی همچنان رابطه جنسی با اهمیت می‌ماند. همچنین این زوجین، روابط جسمی پرهیجانی دارند و افزون بر رابطه جنسی با کیفیت، از رفتارهای دیگری مانند لمس کردن، در آغوش گرفتن و ابراز عشق و محبت کلامی استفاده می‌کنند. رابطه جنسی نه تنها یک عامل تعیین کننده به شمار می‌رود، بلکه بر دیگر عملکردهای فرد در حوزه‌های دیگر نیز تأثیر می‌گذارد. به نحوی که وقتی رابطه جنسی زوجین دستخوش تغییر شود و با عدم رضایت همراه شود می‌تواند به روابط دیگر زوجین آسیب وارد کند. توجه به ظاهر خود و اهمیت به آراستگی و زیبایی خود نیز مقوله‌ی مهم دیگری است که در نهایت بر کیفیت رابطه جنسی زوجین اثرگذار است.

برآمدهای پژوهش نشان داد که از دیدگاه زنان، "کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات" پنجمین عامل در ماندگاری ازدواج پایدار رضایتمند آنها است. یافته به دست آمده با برآمد پژوهش‌های بسیاری مانند ماسکی و ابراین (۱۹۹۵)؛ فنل (۱۹۹۳)؛ نظری (۱۳۸۹) و آسوده و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد. کاسلوف و رایسون (۱۹۹۶) یکی از ویژگی‌های ازدواج‌های قوی و بادوام را اختصاص دادن زمان به زندگی مشترک، گذراندن وقت در کنار یکدیگر - که برای هر دو طرف لذت بخش باشد، هم از نظر کمی و هم کیفی - ذکر کرده‌اند. یکی از حوزه‌های کلیدی که در آن زوجین در ازدواج‌های بادوام رضایتمند نشان دادند، زمانی است که زوجین و خانواده‌ها باهم می‌گذرانند. اختصاص زمانی برای باهم بودن برای زوجین مهم است، زیرا می‌توانند پیوندهای زناشویی خود را حفظ کرده و بسازند. لزوم کار هر دو طرف برای بقا یا رسیدن به سطوح استاندارد زندگی نشان می‌دهد که زمان چندانی برای باهم بودن زوجین وجود ندارد. آنها افزون بر تخصیص چنین زمانی،

وقتی را نیز برای فرزندان بگذارند و باید بدانند که رابطه پدر و مادر و فرزندان بسیار با اهمیت است. زوجین موفق برای متعادل سازی تعهدات کاری و خانوادگی خود به عنوان روشی برای خلق ازدواج‌های پایدار و قوی، می‌توانند نقش‌های مثبت‌تر و پیامدهای بهتری نیز برای فرزندان خود فراهم آورند. نیاز به داشتن اوقات فراغت یک نیاز اساسی برای عموم زوج‌هاست. با آنکه بسیاری از زوج‌ها شاکی هستند که به قدر کافی باهم وقت صرف نمی‌کنند، ولی مشکل اصلی مدت باهم بودن نیست بلکه مسئله این است که این فرصت باهم بودن چگونه می‌گذرد، صرف بودن با یکدیگر بدون استفاده‌ی درست و یا گفتگویی که در ارتباط، مؤثر و سودمند نباشد در رضایت زناشویی بی‌تأثیر و حتی منفی است. مصاحبت و باهم بودن در اول آشنایی زیاد است، ولی به نظر می‌رسد که به تدریج و هر چه از زمان ازدواج می‌گذرد، این عامل مهم در بسیاری از ازدواج‌ها کاهش می‌یابد. وقتی زن و شوهر در گرفتاری‌هایی از قبیل معاشرت، مراقبت از بچه‌ها یا انجام کارهای منزل غرق می‌شوند، وقت کمتری را باهم سپری می‌کنند و در نتیجه این عوامل در تراز رضایت از زندگی زناشویی تأثیر می‌گذارند (نظری، ۱۳۸۹). مصاحبت و باهم بودن در اول آشنایی زیاد است، ولی به نظر می‌رسد که به تدریج و هر چه از زمان ازدواج می‌گذرد، این عامل مهم در بسیاری از ازدواج‌ها کاهش می‌یابد.

نتایج پژوهش نشان داد که از دیدگاه زنان، "همخوانی زوجین و انعطاف‌پذیر بودن" ششمین عامل در ماندگاری ازدواج پایدار رضایتمند آن‌ها است. یافته به دست آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری مانند کاسلوف و رایسون (۱۹۹۶)؛ کلاگس‌بورن (۱۹۸۵)؛ لاور و لاور (۱۹۸۶) و داناوان (۲۰۰۴) مطابقت دارد. طبق گفته‌ی هالفورد (۲۰۰۱) رویدادهای زندگی می‌توانند تأثیرات مثبت یا منفی بر یک رابطه داشته باشند، این مسئله به قدرت فرآیندهای انطباقی زوجین بستگی دارد. انطباق‌پذیری به مقدار توانایی افراد خانواده یا زوجین در تغییر روابط، نقش‌ها و قواعد اشاره می‌کند. مفاهیم و متغیرهای خاصی که نشانه انطباق‌پذیری هستند عبارت‌اند از: رهبری (کنترل و انضباط)، شیوه گفتگو، نقش‌های افراد و قواعد رابطه‌ای. انطباق‌پذیری به این مسئله اشاره می‌کند که سیستم‌ها چگونه بین ثبات و تغییر تعادل برقرار کنند (السون، ۲۰۰۳). انطباق‌پذیری چهار سطح دارد که به صورت خشک^۱ (خیلی پایین)، با ساختار^۲ (پایین تا

1. rigid

2. structured

متوسط)، انعطاف‌پذیر^۱ (متوسط تا بالا) و هرج و مرج گونه^۲ (خیلی بالا) درجه‌بندی می‌شود (گلا‌دینگ، ۱۹۹۰). به‌طور کلی می‌توان گفت زوجین یا خانواده‌هایی که برای مدت طولانی در سطوح نامتعادل انطباق‌پذیری قرار می‌گیرند، احتمال بیشتری دارد که در روابط خود دچار مشکل شوند. نکته قابل توجه این که انتظار می‌رود زوجین و یا خانواده‌ها با توجه به چرخه‌ی حیات خانواده و مشکلاتی که با آن‌ها مواجه می‌شوند، سطوح انطباق‌پذیری خود را تغییر دهند و این نکته نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از سطوح انطباق‌پذیری نمی‌تواند مطلقاً و برای همیشه مناسب و مفید باشد (آلسون، ۲۰۰۳). روش‌های مواجهه و برخورد زوجین با رویدادهای پیش رو، نقشی کلیدی در برداشت آن‌ها از کیفیت ازدواجشان دارند. فرآیندهای انطباقی زوجین محصول کنش و واکنش‌های آن‌ها در مقابل آسیب‌پذیری‌های پایدار هر کدام از همسران و نوع و شدت رویدادهای زندگی هستند که زوجین با آن‌ها مواجه می‌شوند؛ بنابراین زوجینی که آسیب‌پذیری پایدار محدود و فرآیندهای انطباقی ضعیفی دارند، ممکن است سطح ثبات و رضایت بالایی داشته باشند زیرا آن‌ها نا مکرر و غیرمنتظره هدف قرار می‌گیرند. از سوی دیگر مکرراً قرار گرفتن در معرض رویدادهای تنش‌زا می‌تواند زوجینی را آماده کند که در آن‌ها طرفین از نظر ظرفیت‌های فردی برای غلبه و الگوهای خاص کنش و واکنش به‌خوبی تجهیز شده‌اند. زوجی که تجربه‌ی مشکلات یا شرایط تنش‌زا را دارند، برداشت‌های خود از کیفیت رابطه‌شان را تغییر خواهند داد و برعکس، رضایت از ازدواج احتمالاً به کنش و واکنش‌ها و رفتارهای مثبت‌تر منجر می‌شود و نیز کنش و واکنش‌ها و رفتارهای مثبت به افزایش رضایت زناشویی و برداشت‌ها از کیفیت رابطه زناشویی ختم می‌شوند. انتظارات غیرواقعی یا الگوهای نادرست ارتباطی می‌توانند احتمال مشکلات رابطه‌ای را افزایش داده و رضایت را در طی زمان کاهش دهند. سرانجام شکست‌های مکرر در زمینه انطباق و سازگاری به ثبات ازدواج آسیب می‌رساند و به افزایش تفکر در مورد طلاق منجر می‌شوند، درحالی که انطباق موفق باعث تقویت و حفظ رابطه شده و احتمال جدایی را می‌کاهد.

نتایج پژوهش نشان داد که از دیدگاه زنان، "تعهد و وفاداری" هفتمین عامل در ماندگاری ازدواج پایدار رضایتمند آن‌ها است. یافته به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری مانند مک کری (۲۰۱۵)؛

1. flexible
2. cohatic

کاسلوف و رایسون (۱۹۹۶)؛ کلاگس بورن (۱۹۸۵)، لاور و لاور (۱۹۸۶)، آلفورد-کوپر (۱۹۹۸) و نیمتر (۲۰۱۱) مطابقت دارد. لاور و لاور (۱۹۸۶) تعهد را چنین تعریف کردند: گرایش و قاطعیت برای همکاری در زمان‌های سختی. زوجین شاد و غیر شاد به ماهیت ارتباط و عقیده به تعهد بلندمدت به‌عنوان دلایل اصلی متأهل ماندن اشاره کرده‌اند. رویزیلات و همکاران (۱۹۹۹) در پژوهش خود اعتماد، وفاداری و عشق را اجزای عمده رضامندی زناشویی در ازدواج‌های پایدار ذکر کرده‌اند. فنل (۱۹۹۳) و ویگل و بالارد-ریسچ (۱۹۹۹) نیز در پژوهش خود تعهد و وفاداری را اولین عامل در پایداری ازدواج‌های پایدار رضایتمند ذکر کرده‌اند. یکی از ویژگی کلیدی ازدواج‌های پایدار، تعهد است. زوجین، چه شاد و چه غیر شاد یک اعتقاد مشترک دارند "ازدواج یک بنیان مقدس و یک تعهد بلندمدت است". تفاوت آن‌ها این است که زوجین موفق هم به ازدواج و هم به همسر خود متعهد می‌باشند. از نظر آن‌ها ارتباط و نزدیکی محصول یا نتیجه‌ی ازدواج است. در ازدواج‌های موفق رضایتمند، «تعهد» مانند چسبی نگریسته می‌شد که آن‌ها را کنار یکدیگر نگه می‌دارد: اطمینان از کنار یکدیگر بودن. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که هرچند برخی از ارزش‌ها و گرایش‌های زوجین، در طی زمان دچار تغییرات شدیدی می‌شوند ولی دیدگاه آن‌ها در مورد ازدواج به‌عنوان «تعهد دائمی به عشق و وفاداری» همچنان پابرجا می‌ماند. اعتماد و تعهد به بنیان ازدواج و همسر در زوجینی دیده شد که در زمان‌های سخت کنار هم باقی می‌مانند و در اکثر موارد این تعهد با اعتقادات مذهبی قوی‌تر می‌شود. اغلب زوجین موفق در مصاحبه‌های کیفی خود، بیان کردند که احترام به تعهد برای رابطه در سراسر عمر، دلیل اصلی حفظ ازدواج یا رابطه در دوران‌های سخت بود.

نتایج پژوهش نشان داد که از دیدگاه زنان، "داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک" هشتمین عامل در ماندگاری ازدواج پایدار رضایتمند آن‌ها است. یافته به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری مانند کاسلوف و رایسون (۱۹۹۶)؛ استانلی (۲۰۰۱)؛ و فنل (۱۹۹۳) مطابقت دارد. ارزش‌ها، فرهنگ و مذهب از خصوصیات عمده درون بافت ازدواج‌ها است. این مفاهیم با فعالیت‌هایی که زن و شوهر باهم انجام می‌دهند ارتباط داشته و بر آن تأثیر می‌گذارند زمانی که زن و شوهر در این زمینه به‌طور معنی‌داری باهم تفاوت داشته باشند، تراز طلاق افزایش و رضایت و ثبات زناشویی کاهش می‌یابد (لهر، ۲۰۰۶). داناوان (۲۰۰۴) شناخت فرهنگ طرف مقابل و داشتن اهداف مشترک و نگرش‌های مذهبی

مشابه باعث ماندگاری ازدواج و رضایتمندی زوجین در طول زمان می‌شود. نگرش همسان یا توافق زوجین در مورد ارزش‌ها و باورهای مذهبی با رضایت زوجین رابطه دارد. شباهت یا توافق زوجین با توجه به ویژگی‌های اجتماعی مانند نژاد، مذهب، سن، میزان تحصیلات و طبقه‌ی اجتماعی می‌تواند برای پیش‌بینی کیفیت زناشویی مهم باشد. به نظر می‌رسد توافق در زمینه فرهنگ، ارزش‌ها و باورها موجب تشکیل یک شبکه‌ی اجتماعی جدید بین زوجین می‌گردد که باعث می‌شود آن‌ها مدت‌زمان بیشتری را باهم سپری کرده و حمایت‌هایی برای یکدیگر فراهم آورند که در نهایت باعث افزایش رضایتمندی زناشویی گردد. داشتن اعتقادات و باورهای مشترک باعث می‌شود که نقاط اشتراک رابطه آن‌ها افزایش یافته و حمایت معنوی بیشتری از یکدیگر در طول زمان داشته باشند. حتی گاهی اوقات، توافق در این زمینه‌ها بر افزایش صمیمیت نیز اثرگذار خواهد بود. طی مصاحبه با زوجین، باور مشترک باعث نزدیکی آن‌ها یا باعث تقویت پیوند ازدواج می‌شود. همانندی‌های قومی، فرهنگی، طبقه اجتماعی، مذهب مشترک، ارزش‌های مشترک، سن و سال نزدیک به هم و سطح تحصیلاتی مشابه و علایق مشترک بنیان و پایه استواری برای ایجاد زندگی مشترک است. در موردعلاقه مشترک منظور این نیست که دو نفر به همراه هم یک علاقه را دنبال کنند، بلکه ممکن است به‌طور فردی به آن پردازند ولی هر دو نفر به آن حوزه علاقه‌مند باشند. البته همه آنچه گفته شد، به این معنی نیست که اگر در برخی حوزه‌ها باهم تفاوت داشتند؛ الزاماً روابط آن‌ها پایدار و موفق نخواهد بود. بلکه افرادی هستند که علی‌رغم تفاوت در برخی از زمینه‌ها، ازدواج موفق داشته‌اند؛ ولی به‌طور عام هر چه مشترکات بیشتر باشد زندگی و ارتباط راحت‌تر و آسان‌تر خواهد بود. به‌طورکلی، زوجین موفق در پژوهش حاضر بیشتر بر توافق تأکید داشته‌اند. این توافق می‌تواند هم به‌صورت تشابه باشد و هم به‌صورت تفاوت توأم با احترام.

نتایج پژوهش نشان داد که از دیدگاه زنان، "مسائل مالی و شغلی" نهمین عامل در ماندگاری ازدواج پایدار رضایتمند آن‌ها است. یافته به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های بسیاری مانند شوون و همکاران (۲۰۰۶)؛ شکر کن و همکاران (۱۳۸۶)؛ آسوده و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد. از بین عواملی که حداقل نقش در ازدواج بلندمدت را دارند، می‌توان به مسائل مالی اشاره کرد (اشمیت و همکاران،

۲۰۰۷). نارضایتی زنان از مسائل مالی و اشتغال آنها می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر رابطه منجر شود (شون و همکاران، ۲۰۰۶). شرایط اجتماعی-اقتصادی به صورت مطلق ممکن است اهمیت کمتری در پیش‌بینی کیفیت زناشویی داشته باشند تا ادراکات و انتظاراتی که در مورد مناسبت و کیفیت رابطه وجود دارد (لوئیس و اسپاینر، ۱۹۷۹). فشار اقتصادی اثری منفی ولی غیرمستقیم بر کیفیت زناشویی دارد، بدین ترتیب که فشار اقتصادی از طریق افزایش رفتارهای منفی مانند (مانند خصومت) و کاهش رفتارهای مثبت (مانند حمایت) بر کیفیت زناشویی اثر می‌گذارد. زوجینی که تحت فشار روانی ناشی از فقر اقتصادی قرار دارند، درگیر مسائل مختلفی می‌شوند. این عوامل فشارزا، تعارض‌های زناشویی و مشکلات موجود زناشویی را افزایش می‌دهد. ممکن است زوج درگیر مسائل روانی شوند. آنها ممکن است به دلیل ساعات طولانی کار و کوشش برای پرداخت هزینه‌های زندگی، وقت کمتری را به یکدیگر اختصاص دهند و در نتیجه وقت و انرژی کمتری نیز صرف مسائل خانوادگی کنند. مشکلات اقتصادی ممکن است نسبت به همسر خصومت ایجاد کند صرفاً به این دلیل که نتوانسته امکانات مالی مناسبی را برای خانواده فراهم کند. با افزایش این خصومت، گرما و صمیمیت و کیفیت خوب زندگی زناشویی کاهش یافته و از تراز روابط لذت‌بخش نیز کاسته می‌شود. همچنین، درآمد کم و ناامنی شغلی با رضایتمندی زناشویی پایین همراه است. نداشتن مشکلات مالی و اقتصادی جدی یکی از ویژگی‌های ازدواج‌های موفق است. شاید یک زوج موفق در برهه‌ای از زمان درگیر مشکلات مالی و اقتصادی شوند، ولی در طول زمان موفق به حل این مشکلات می‌شوند و باهم رشد خواهند کرد. مسئله مهم دیگر، داشتن توافق در زمینه مسائل شغلی و اقتصادی است که زوجین موفق نیز در این زمینه باهمدیگر اختلاف نظر جدی ندارند. فشار مالی، اثرات مخربی بر تراز تنش دارد که به صورت افت سلامت روانی آشکار می‌شود و انسجام خانواده را تهدید می‌کند و رفتارهای خصمانه، مشکل‌ساز و تعارض‌آمیز را در هر دو فرد افزایش می‌دهد.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، مربوط به حجم نمونه است. برخی ماده‌های مهم مانند مقوله تلفن همراه و وسایل ارتباطی بر روی هیچ‌کدام از عوامل به دست آمده بار عاملی معنی‌داری نداشتند که با توجه به وضعیت سنی نمونه مورد مطالعه و عدم گستردگی وسایل ارتباطی در دوره‌ی اصلی زندگی زناشویی آنها، تعمیم نتایج به گروه‌های سنی پایین‌تر باید با احتیاط صوت گیرد. همچنین، با توجه به اینکه نمونه‌های مورد مطالعه دارای حداقل سواد سیکل می‌باشند، تعمیم نتایج به زوجین کم‌سواد یا

بی‌سواد باید با احتیاط صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود که این پژوهش بر روی نمونه‌هایی با حجم بزرگ‌تر اجرا شود تا مشکلات مربوط به تعمیم نتایج وجود نداشته باشد. انجام پژوهش‌ها بر روی نمونه مردان و هم‌سنجی با زنان و شناسایی عوامل دیگری که در ماندگاری ازدواج‌های رضایتمند نقش داشته‌اند، از طریق مطالعات پدیدار شناختی یا قوم‌نگاری، پیشنهاد دیگر پژوهشگر است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه این مزیت را دارد که امکان جمع‌آوری اطلاعات از نمونه‌های کم‌سواد و بی‌سواد را فراهم می‌آورد. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از این روش‌ها نیز استفاده شود. پیشنهاد دیگر این است که با توجه به عوامل شناسایی شده، نتایج پژوهش حاضر به صورت راهنما و موارد بااهمیت در کارگاه‌های آموزش زوج‌ها یا مراکز پیش از ازدواج ترویج داده شود.

سپاسگزاری. از همه زنان متأهل شرکت‌کننده در پژوهش و فرزندان آن‌ها سپاسگزاری می‌شود.

منابع

خجسته مهر، رضا؛ کوچکی، رحیم و رجبی، غلامرضا. (۱۳۹۱). نقش واسطه‌ای اسنادهای ارتباطی و راهبردهای حل تعارض غیر سازنده در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و کیفیت زناشویی. روان‌شناسی معاصر، ۷(۲):

۱۴-۳.

سالنامه آماری سازمان ثبت‌احوال کشور. (۱۳۹۵).

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۹۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ بیست و یکم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.

شکر کن، حسین؛ خجسته مهر، رضا؛ عطاری، یوسفعلی؛ حقیقی، جمال و شهنی بیلاق، منیجه. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی شهر اهواز. دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی. دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱، صص

۳۰-۱.

گلادینگ، ساموئل. (۱۹۹۰). خانواده‌درمانی. تاریخچه، نظریه، کاربرد. مترجمین، فرشاد بهاری، بدری السادات بهرامی، سوسن سیف و مصطفی تبریزی (۱۳۸۲). تهران: انتشارات تزکیه.

نظری، علی محمد. (۱۳۸۹). مبانی زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی. تهران: انتشارات علم.

- Alford-Cooper, F. (1998). *For Keeps: Marriages That Last a Lifetime*, M.E. Sharpe, New York.
- Appleton, C. & Bohm, E. (2001). Partners in passage: The experience of marriage in mid-life. *Journal of Phenomenological Psychology*, 32, 41-70.
- Asoodeh, M. H., Daneshpour, M., Khalili, Sh., Gholamali Lavasani, M., Abuali Shabani, M., & Dadras, I. (2011). Iranian Successful Family Functioning: Communication. *Social and Behavioral Sciences*, 30, 367-371.
- Bloch, L., Haase, C. M., & Levenson, R. W. (2014). Emotion regulation predicts marital satisfaction: More than a wives' tale. *Emotion*, 14(1), 130-144.
- Bramlett, M. D., & Mosher, W. D. (2001). First marriage dissolution, divorce, and remarriage: United States. *Advance Data: Centers for Disease Control*, 323, 1-19.
- Canary, D. J., Stafford, L., & Semic, B. A. (2002). A panel study of the associations between maintenance strategies and relational characteristics. *Journal of Marriage and Family*, 64, 395-407.
- Cherlin, A. J., Scabini, E., & Giovanna, R. (1997). Still in the nest: Delayed home leaving in Europe and the United States. *Journal of Family Issues*, 18, 572-575.
- Costa, P. J., & McCrae, R. (1988). personality in adulthood: a six-year longitudinal study of self-reports and spouse ratings on the NEO Personality Inventory. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54 (5): 853-63.
- Dehle, C., Larsen, D., & Landers, J. E. (2001). Social support in marriage. *The American Journal of Family Therapy*, 29, 307-324.
- Donovan, S. (2004). Stress and coping techniques in successful intercultural marriages. Thesis submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of M.A.
- Doohan, E. M. & Manusov, V. (2004). The communication of compliments in romantic relationships: An investigation of relational satisfaction and sex differences and similarities in compliment behavior. *Western Journal of Communication*, 68, 170-194.
- Dryer, D. C. & Horowitz, L. M. (1997). When do opposites attract? Interpersonal complementary versus similarity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(3), 592-603.
- Faust, K. A., & McKibben, J. N. (1999). Marital dissolution: Divorce, separation, annulment, and widowhood. In M. B. Sussman, S. K. Steinmetz, & G. W. Peterson (Eds.). *Handbook of Marriage and the Family*, 2nd edition (pp. 475-499). New York: Plenum Press.
- Fenell, D. L. (1993). Characteristics of long-term first marriages. *Journal of Mental Health Counseling*, 15, 446-460.
- Gattis, K. S., Berns, S., Simpson, L. E., & Christensen, A. (2004). Birds of a feather or strange birds? Ties among personality dimensions, similarity, and marital quality. *Journal of Family Psychology*, 18, 564-574.
- Gottman, J. M. (1994). *Why marriages succeed or fail*. New York: Simon & Schuster.

- Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic*. New York: Norton.
- Gottman, J. M., & Silver, N. (2000). *The seven principles for making marriage work*. New York, NY: Simon & Schuster Paperbacks.
- Grych, J., & Fincham, F. (1990). Marital conflict and children's adjustment: A cognitive-contextual framework. *Psychological Bulletin*, 108, 267 – 290.
- Halford, W. K. (2001). *Brief couple therapy: Helping partners help themselves*. New York: Guilford Press.
- Hendrick, S. S., Dicke, A., & Hendrick, C. (1998). The relationship assessment scale. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15, 137-142.
- Henry, R. & Miller, R. B. (2004). Marital problems occurring in midlife: Implications for couple therapists. *The American Journal of Family Therapy*, 32, 405-417.
- Kaplan, H. S. (1990). Sex, intimacy, and the aging process. *Journal of the American Academy of Psychoanalysis*, 18, 185-205.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.
- Kaslow, F. & Robison, J. A. (1996). Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *The American Journal of Family Therapy*, 24(2), 153-168.
- Kelly, A. B., Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (2003). Communication skills in couples: A review and discussion of emerging perspectives. In J. O. Greene & B. R. Burleson (Eds.), *Handbook of communication and social interaction skills* (pp. 723_/752). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Kepler, A. (2015). *Marital Satisfaction: The Impact of Premarital and Couples Counseling*. A Master of Arts thesis in social work, St. Catherine University and the University of St. Thomas, Minnesota.
- Khoshdasht, F. A., Jalali, M. R., & Kakavand, A. R. (2016). The relation between the personality traits, defense mechanisms and marital satisfaction of elementary school students' parents. *Institute of Integrative Omics and Applied Biotechnology*, 7(10), 31-37.
- Killawi, A., Daneshpour, M., elmi, A. E., Dadras, I., & Hamid, H. (2014). *Recommendations for Promoting Healthy Marriages & Preventing Divorce in the American Muslim Community*. Institute for Social Policy and Understanding.
- Klagsbrun, F. (1985). *Married People: Staying Together in the Age of Divorce*, Bantam Books, and Toronto.
- Knox, D., & Schacht, C. (2000). *Choices in relationships: An introduction to marriage and the family* (6th Ed.). Belmont, CA: Wadsworth/Thomson Learning.
- Lauer, R. H. & Lauer, J. C. (1986). Factors in long-term marriages. *Journal of Family Issue*, 7(4), 382-390.

- Lavner, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2016). Does Couples' Communication Predict Marital Satisfaction, or Does Marital Satisfaction Predict Communication? *Journal of Marriage and Family*, 78(3), 680-694.
- Lehrer, E. (2006). Age at marriage and marital instability: Revisiting the Becker-Lades-Micheel hypothesis. University of Illinois at Chicago and Izaboon.
- Levenson, R. W., Carstensen, L. L., & Gottman, J. M. (1993). Long-term marriage: Age, gender, and satisfaction. *Psychology and Aging*, 8(2), 301-313.
- Johnson, C. L. (1985). The impact of illness on late-life marriages. *Journal of Marriage and the Family*, 47, 165-171.
- Lewis, R. A., & Spanier, G. B. (1979). Theorizing About the Quality and Stability of Marriage. Pages 268-294 in W.R. Burr, R. Hill, F.I. Nye, & I. L. Reiss (Editors). *Contemporary Theories about the Family* (Vol. 2). New York. Free Press.
- Mackey, R.A. & O'Brien, B.A. (1995), *Lasting Marriages: Men and Women Growing Together*, Praeger, Westport, Connecticut.
- McCray, M. L. (2015). *Infidelity, Trust, Commitment, and Marital Satisfaction among Military Wives during Husbands' Deployment*. Doctoral Dissertation. Walden University. Minneapolis, Minnesota.
- Miller, R. B., Yorgason, J. B., Sandberg, J. G., & White, M. B. (2003). Problems that couples bring to therapy: A view across the family life cycle. *The American Journal of Family Therapy*, 31, 395-407.
- Murray, S. L., Holmes, J. G., Bellavia, G., Griffin, C. W., & Dolderman, D. (2002). Kindred spirits? The benefits of egocentrism in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82(4), 563-581.
- Nimtz, M. A. (2011). Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: A phenomenological study. A Dissertation Presented for the Degree Doctor of Philosophy. Liberty University.
- Olson, D. H. (2003). *Clinical rating scale (CRS) for the couple and family map*. Minneapolis, MN: Life Innovations.
- Popenoe, D. (2004). The top ten myths of marriage. Retrieved August, 2003, from The National Marriage Project Website.
- Prigerson, H. G., Maciejewski, P. K., & Rosenheck, R. A. (1999). The effects of marital dissolution and marital quality on health and health service use among women. *Medical Care*, 37 (9), 858-873.
- Roizblatt, A., Kaslow, F., Rivera, S., Fuchs, T., Conejero, C., & Zacharias, A. (1999). Long lasting marriages in Chile. *Contemporary Family Therapy*; 21: 113-129.
- Schmitt, M., Kliegel, M., & Shapiro, F. (2007). Marital interaction in middle and old age: A predictor of marital satisfaction? *International Journal of Aging and Human Development*, 65(4), 283-300.
- Schoen, R., Rogers, S. J., & Amato, P. R. (2006). Wives' employment and spouses' marital happiness: Assessing the direction of influence using longitudinal couple data. *Journal of Family Issues*, 27(4), 506-528.

- Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2005). After "I do": The newlywed transition. *Marriage & Family Review*, 38(1), 45-67.
- Sharif, F., Soleimani, S., Mani, A., & Keshavarzi, S. (2013). The Effect of Conflict Resolution Training on Marital Satisfaction in Couples Referring to Counseling Centers in Shiraz, Southern Iran. *International Journal of Community Based Nursing and Midwifery*, 1(1), 26-34.
- Shiota, M. N. & Levenson, R. W. (2007). Birds of a feather don't always fly farthest: Similarity in Big Five Personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long-term marriages. *Psychology and Aging*, 22(4), 666-675.
- Slatcher, R. B., & Schoebi, D. (2017). Protective processes underlying the link between marital quality and physical health. *Current Opinion in Psychology*, 13, 148-152.
- Stanley, S. M. (2001). Making a case for premarital education. *Family Relations*, 50 (3), 272- 281.
- Villa, M. B., & Pereira Del Prette, Z. A. (2013). Marital Satisfaction: The Role of Social Skills of Husbands and Wives. *Paidéia (Ribeirão Preto)*, 23(56), 379-387.
- Wallerstein, J. S., & Blakeslee, S. (1996). *The good marriage: How and why love lasts*. New York, NY: Warner Books, Inc.
- Weigel, D. J., & Ballard-Reisch, D. S. (1999). The influence of marital duration on the use of relationship maintenance behaviors. *Communication Reports*, 59-70.
- Willoughby, B. J. (2010). Marital Attitude Trajectories across Adolescence. *Journal of Youth & Adolescence*, 39 (11): 1305-1317.
- Young, M. E. & Long, L. L. (1998). *Counseling and therapy for couples*, Brooks/Cole, Publishing company, USA.

پرسشنامه عوامل ازدواج خوشبخت زنان

بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف عوامل زیادی در تداوم و موفقیت ازدواج‌ها تأثیر دارند. در زیر، فهرستی از عوامل احتمالی که می‌توانند بر موفقیت یک ازدواج تأثیر بگذارند ذکر شده است. هر کدام از عبارات زیر را بخوانید و سپس مشخص کنید که هر یک از موارد زیر به چه تراز در رابطه زناشویی شما از شروع زندگی مشترک تاکنون وجود داشته است و گزینه‌ای که به بهترین وجه رابطه شما را توصیف می‌کند، علامت بزنید.

عامل	شماره	عبارت	اصلا	کمی	بعضی اوقات	بیشتر اوقات	همیشه
			وجود	وجود	وجود داشت	وجود داشت	وجود داشت
	۱ *	انتقاد و سرزنش کردن یکدیگر	نداشت	داشت			
	۲ *	تحقیر و توهین کردن به همدیگر					
	۳ *	خشونت کلامی نسبت به یکدیگر					
	۴ *	پیش دآوری‌ها و قضاوت‌های ناعادلانه نسبت به همدیگر					
اول	۵ *	مشاجره و دعوای شدید باهمدیگر در هنگام تعارضات					
	۶	گذشت کردن و بخشش هنگام اشتباه و قصور					
	۷	شنونده خوب بودن در مقابل یکدیگر					
	۸	بحث و تبادل نظر باهم برای حل تعارضات و مشکلات					
	۹	راحت بودن در بیان احساسات واقعی و بیان خواسته‌ها و نیازها به					

یکدیگر		
۱۰	در میان گذاشتن مشکلات با یکدیگر	
۱۱	مشورت باهمدیگر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی مشترک	
۱۲	* کینه ای بودن نسبت به همدیگر	
۱۳	احترام و ارتباط خوب با خانواده یکدیگر	
۱۴	گشاده رو بودن و لیخند زدن در محیط خانه و اجتماع	
۱۵	هدیه دادن به همدیگر	
۱۶	* زورگویی علیه یکدیگر	
۱۷	همدلی و درک یکدیگر در شرایط مختلف	
۱۸	احترام به همدیگر	دوم
۱۹	حمایت از یکدیگر در جمع	
۲۰	کمک به همدیگر در انجام کارهای شخصی	
۲۱	توجه به پیشرفت و موفقیت فردی طرف مقابل	
۲۲	قدردانی از یکدیگر	
۲۳	اهل شوخی و مزاح بودن	
۲۴	مسئولیت پذیر بودن نسبت به وظایف خود	
۲۵	مشارکت کردن در کارهای خانه	
۲۶	مشارکت کردن در تربیت فرزندان	
۲۷	مشارکت کردن در کارهای بیرون از خانه	سوم
۲۸	* مخفی کاری نسبت به همدیگر	
۲۹	اهمیت دادن به تربیت و نیازهای فرزندان	
۳۰	* داشتن افکار و رفتارهای وسواسی	
۳۱	منصف بودن در روابط و مسئولیت های زندگی مشترک	
۳۲	روابط جنسی رضایت بخش	
۳۳	وجود صمیمیت جنسی و توجه به نیازهای جنسی همدیگر	
۳۴	داشتن ظاهر زیبا و جذابیت ظاهری	
۳۵	ارتباط جسمی و بدنی خوب و گرم و پرهیجان بودن نسبت به همدیگر	چهارم
۳۶	رسیدگی کردن به ظاهر خود و آراسته بودن	
۳۷	ابراز علاقه و محبت کلامی به همدیگر	
۳۸	وجود رابطه ی دوستانه و صمیمانه بین خودمان	
۳۹	اطلاع داشتن از نیازهای یکدیگر	
۴۰	وقت گذاشتن برای همسر و فرزندان	
۴۱	* رفیق بازی و معاشرت زیاد از حد با دوستان	
۴۲	داشتن وقت اختصاصی برای یکدیگر جهت شنیدن رازهای هم	
۴۳	سلامت جسمی و اهمیت دادن به ورزش و رسیدگی به بدن خود	پنجم
۴۴	همراهی و وقت گذاشتن در زمینه تفریحات و مسافرت	
۴۵	خوش مشرب بودن و اهمیت دادن به اوقات فراغت	
۴۶	* دیر آمدن به خانه	
۴۷	* لجبازی و تلافی کردن نسبت به یکدیگر	
۴۸	توجه به خواسته های همدیگر در مورد آراستگی ظاهری و پوشش	
۴۹	علاقه داشتن به صفات و عادات رفتاری و شخصیتی یکدیگر	ششم
۵۰	توافق در مورد محل زندگی	
۵۱	توافق بر سر شیوه ی تربیت فرزند	
۵۲	همبستگی و اتحاد با یکدیگر	
۵۳	راز نگهدار بودن	هفتم

۵۴	اطمینان و اعتماد داشتن به همدیگر	
۵۵	وفاداری و تعهد به همدیگر	
*۵۶	بدبینی و بددل بودن در زندگی مشترک	
۵۷	هم سطح بودن خانواده های هر دو طرف	
۵۸	شناخت و آشنایی پیش از ازدواج	
۵۹	توافق در زمینه ارزش ها و مراسمات اجتماعی و فرهنگی	هشتم
۶۰	اشتراک نظر در مورد باورها و اعتقادات مذهبی	
۶۱	داشتن اعتقادات و باورهای مذهبی قوی	
*۶۲	خسبیس بودن در خانواده	
*۶۳	اختلاف نظر در مورد خرج کردن و تصمیم گیری های مالی	نهم
*۶۴	اختلاف نظر در مورد شغل و کار یکدیگر	

